

اعتراف صریح به قتل عام زندانیان سیاسی

بودند، بنابراین همه چیز موجه بوده است. ری شهری وزیر ساواک جمهوری اسلامی نیز در مصاحبه با مطبوعات داخل به نوهی به وسعت کشتار زندانیان سیاسی اشاره می کند. وی مدعی می شود که در جمهوری اسلامی تنها ۳۵۰۰ نفر زندانی سیاسی وجود داشته است که از این تعداد ۹۰۰ نفر در زندان باقی ننگه داشته شده و بقیه باصطلاح مشمول "هغو" می شوند. وی تعداد آزادشدگان را ۱۳۰۰ نفر اعلام کرده است (رسالت ۲۶ بهمن). براساس این ارقام ادعایی، عملا به قتل ۱۳۰۰ نفر زندانی سیاسی اعتراف می شود.

"آنها را کشتیم تا از وجودشان خلاص شویم" این اعتراف صریح به قتل عام زندانیان سیاسی در ایران از زبان محتشمی وزیر کشور است. وی در مصاحبه با هفته نامه عربی زبان المستقبل چاپ پاریس این چنین باصراحت از قتل عام زندانیان سیاسی سخن گفته است. در هفته گذشته این اعتراف محتشمی را اکثر خبرگزاری های جهان بازتاب دادند. محتشمی در مصاحبه با المستقبل کشتار جمعی زندانیان سیاسی را کاملا موجه دانسته و گفته است در ایران مجازات اعدام وجود دارد، آنهایی که اعدام شده اند مستحق چنین مجازات.



دوشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۶۷ برابر با ۶ مارس ۱۹۸۹
بها ۶۰۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۴۸

از وظایف مهم زنان ایرانی در خارج از کشور

در ماه پیش دختر دانشجویی در مصاحبه با رادیوی رژیم پیرامون الگوی زن، اعلام کرد که دختر پیغمبر را سرمشق خود نمیداند، آنهم با این استدلال ساده که او در ۱۴ قرن پیش می زیسته و نمی تواند الگوی زن در جامعه امروز باشد. دختر دانشجویی از جانب شخص خمینی به اعدام محکوم شد و کم مانده بود که ترتیب دهندگان آن برنامه رادیویی نیز به دار آویخته شوند. این است حد آزادی زن در جمهوری اسلامی و نه نقطه آزادی زن که آزادی نفس کشیدن و نظری را بیان کردن.

برای ما اکنون بسی همق این سخن ملموس است که حد آزادی زن شاخص حد آزادی جامعه است، آزادی زن یک شاخص اصلی تکامل تاریخی است. این سخن یک معیار بنیادی قضاوت در مورد حکومت اسلامی بدست می دهد. خمینی اگر هیچ یک از جنایتهایی را که مرتکب شده است صورت نمیداد، گائی بود که تنها به خاطر دیدش بقیه در صفحه ۳

سیاسی قهرمانانه ب خاک افتادند و رزم مردم ما و زنان کشور ما را علیه حکومت پلید جمهوری اسلامی نهاد و گسترده گی بیشتری بخشیدند. در صفحه ۳ اسامی تعدادی از آنان تا آنجا که جمع آوری شده است درج می شود

اعلامیه کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن
زنان ایران!
برای نامن حقوق خود
برای صلح و آزادی
بیکارها ارتجاع را گسترش دهید!
در صفحه ۲

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد!

روز هشتم مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زنان است. ۷۹ سال پیش در کنفرانس جهانی زنان سوسیالیست به پیشنهاد (کلارا زتکین) ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن تعیین شد. ارج گذاری مبارزات خونین زنان کارگر یک کارخانه بافندگی در نیویورک آمریکا دلیل تعیین ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن است. اینک ۸ مارس به روز اتحاد و همبستگی همه زنان جهان برای کسب برابری، توسعه صلح و پیشرفت معنوی جوامع بشری تبدیل شده است. ۸ مارس روز جهانی زن را به همه زنان میهنمان، به همه زنانی که در خانه، در روستا، در مراکز آموزشی... در شکنجه گاه ها داغ ستم هولناک زن بودن در جمهوری اسلامی را نیز متحملند و به زنان میوطنمان در خارج از کشور شادباش می گوئیم.

امسال ۸ مارس را در شرایطی گرامی میداریم که رژیم تبعکار خمینی با کشتار فراوان زندانیان سیاسی، اندوهی بی پایان و زخمی همیق بر دل مردم مانده است. ما امسال ۸ مارس را با یاد عزیز زنانی گرامی میداریم که قهرمانانه جان در راه آرمان خویش نهادند و زانو سست نکردند. با یاد عزیز زنانی گرامی داریم که زن بودن را در شکنجه گاه های رژیم خمینی نیز تجربه کردند.

به یاد آن دختران و زنان اسیری که در تمام دوران اسارت خوف و بی حرمتی از سوی درخیمان خمینی صفت را همچون شدیدترین شکنجه ها همزاد خود داشتند.

به یاد شیر زنان محکوم به اعدام که گورزادان اسلامیناه بدانان تا دنیا آوردن فرزندان مجال زنده ماندن داده بودند. به یاد عزم و رنج بیکران اینان که آغاز زندگی جگر گوشه شان پایان زندگیشان بود.

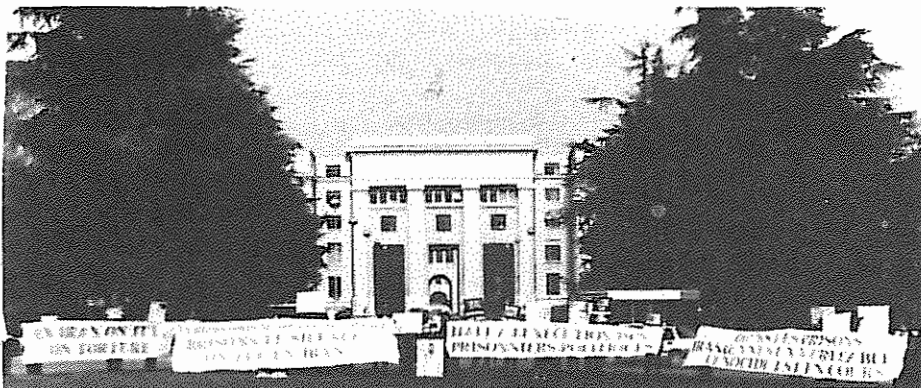
به یاد عزیز مادرانی که در اسارت خمینی شکنجه فرزندان را متحمل شدند. با گرسنگی و لرزیدن و بیماری و فریاد فرزندان در زندان فریاد زدند و لرزیدند و بیمار شدند.

در آستانه ۸ مارس گرامی میداریم یاد عزیز همه زنانی که در موج اخیر کشتار زندانیان

تظاهرات و اعتصاب غذا در ژنو

کننده در این تظاهرات پس از آن در محلی در مرکز شهر ژنو دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب بازتاب وسیعی در میان محافل سیاسی و رسانه های همگانی بین المللی یافت. گزارش این اعتصاب غذا را در صفحه ۷ می خوانید

همزمان با برگزاری چهل و پنجمین اجلاس حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو، در روز ۲۰ فوریه، تظاهراتی در مقابل مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو برگزار شد. این تظاهرات در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی و افشای جنایات رژیم خمینی صورت گرفت. فدائیان خلق شرکت



تظاهرات در برابر محل برگزاری اجلاس حقوق بشر سازمان ملل متحد

مارکسیسم و تفکر نوین سیاسی

نوشته یوری کراسین

در صفحه ۱۰

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

زنان ایران! برای تأمین حقوق خود، برای صلح و آزادی پیکار با ارجاع را گسترش دهید!

هشت مارس، روز جهانی زن، روز همبستگی همه زنان عالم در مبارزه علیه ستم و نابرابری رایج به همه زنان میهنان صمیمانه شادباش می‌گوییم. گسترش مبارزات زنان ایران علیه رژیم منفر خیمینی و علیه جور و ستم‌هایی باشد که این رژیم زن ستیز و آزادی‌کش بر زنان میهنان روا داشته و می‌دارد.

زنان موطن!
در ماه‌های نخست سال، جنگ خانمانسوز ایران و عراق که اکثریت بزرگی از زنان هر دو کشور را در ماتم همزبانان نشانده، قطع شد. فشار ناشی از نفرت و اهتزاز مردم به سیاست ادامه جنگ خیمینی و نیز مبارزه نیروهای ترقی خواه و محافل صلح دوست جهان، خیمینی را مجبور کرد که به صلح کردن نهد. او اعتراف کرد که صلح در کامش همچون جام زهری بود که بالاچار سرکشید. این اعتراف، گویاتراز هر سخنی، سمم جنایتکارانه خیمینی را در کشتار فرزندان و همسران آنان در مسلخ جنگ برملا کرد، تنها به خاطر شعوت جنگ طلبی خیمینی، صدها هزار زن بیوه، میلیون‌ها کودک یتیم، صدها هزار تن معلول و میلیون‌ها نفر آواره و بی‌خانمان شدند.

جنگ قطع شد، اما جنایت خیمینی ادامه یافت. به دستور خیمینی در زندان‌های سراسر کشور، زنان و مردان قهرمانی که به خاطر مبارزه در راه سعادت و بهروزی مردم علیه خیانت و بیداد رژیم خیمینی به پا خاسته و به همین خاطر نیز به بند کشیده شده بودند قتل عام شدند. دست ناپاک و خونبار خیمینی، باز هم مادرانی را بی فرزندی، زنانی را بی شوی و فرزندی را بی پدر کرد. از شمار ۵۰۰۰۰ فرزندی سیاسی که جنایتکارانه به قتل رسیدند و نام و نشانشان به دست مار سیده است، ۴۴ نام به زنان قهرمان و آزاده‌های تعلق دارد که در ظلمت بیداد خیمینی، در فنش پیکار در راه صلح و آزادی و عدالت و برابری را، پیشاروی توده زنان کشور در اهتزاز نگاه داشتند.

این نشان فروراندگی از این واقعیت درخشان است که زنان ایران نقش بزرگ و شکوهمندی در پیکار علیه رژیم ولایت فقیه، در راه صلح، آزادی، عدالت و پیشرفت اجتماعی ایفا کرده و می‌کنند.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این روز خجسته به خاطر بهر فروغ این زنان آزاده درود آتشین نثار می‌کند.
ما از پایداری قهرمانانه فدائیان شمیم، رفقا مهر انگیز آفاق، فاطمه اشرافی، ناهید حوایجی و سمیلا درویش‌کن الهام می‌گیریم و در برابر عظمت روح انسانی و رزمجویانه آنها سر تعظیم فرود می‌آوریم.

مادران و خواهران موطن!

در حالی که جهان در سال گذشته شاهد پیروزی‌های باز هم بیشتر زنان و مادران و کودکان در دستیابی به حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی بود، رژیم خیمینی بردامنه ستمگری‌های خود علیه زنان میهنان افزود. محروم ساختن زنان از فعالیت‌های اجتماعی و تولیدی، تشدید نابرابری حقوق زن و مرد بالا گرفتن آمار طلاق، گسترش بی سابقه چند همسری برای مردان، رواج نفرت‌انگیزترین انواع صیغه‌ها، بی‌اهمیتی به حقوق مادران در سرپرستی فرزندان، شیوع اهتزاز و خودفروشی از سر اجبار، ابعاد فاجعه‌باری پیدا کرده است.

در جمهوری اسلامی ایران زنان از حمایت‌های قانونی هر روز بی‌بهره‌تر شده و حق هرگونه فعالیت در دفاع از حقوقشان از آنان سلب شده است. رژیم برای لاپوشانی بی‌حقوقی زن ایرانی در جمهوری اسلامی، نمایشات سالوسانه‌ای را به راه می‌اندازد. میثت‌هایی از زنان وابسته به رژیم به مجامع بین‌المللی گسیل می‌شوند و حتی انجمن‌های زنان وابسته به رژیم در داخل سازمان می‌یابند. هدف رژیم از همه این ترندها جلوگیری از رشد و اهتزاز آگاهی زنان و انحراف مبارزات آنان

از مسیر حق طلبانه‌شان می‌باشد.

همیرقم تلاش‌های جنایتکارانه‌ای که رژیم برای جلوگیری از رشد آگاهی زنان و گسترش مبارزات آنان به عمل می‌آورد، جنبش زنان در کشور هر روز دامنه وسیع‌تری پیدا می‌کند. ستم‌گری‌های فاجعه‌بار رژیم خیمینی علیه زنان کشور، قشر‌های هر چه وسیع‌تری از زنان را به مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه سوق می‌دهد. در شرایط کنونی جستجوی راه‌های خلاق سازمانگری جنبش زنان دارای اهمیت بزرگی است. آزادی تشکیل سازمان‌های دمکراتیک زنان و تأمین حقوق آنان برای فعالیت سیاسی و اجتماعی، آماج همه جنبش‌زنان در مختصات کنونی است.

اعضای سازمان ما در راستای تحقق آماج یادشده به فعالیت در محافل خودجوش زنان و نیز کار در میان انجمن‌های زنان که توسط عناصر وابسته و یا مرتبط به رژیم سازمان یافته‌اند، باید توجه اکید مبذول دارند. تقویت فعالیت متشکل زنان، فعالیت در راه تأمین حقوق فردی و اجتماعی زنان طرح اجحافات‌ی که بر زنان اعمال می‌شود و انعکاس خواست‌های عاجل زنان در این محافل و انجمن‌ها و تشویق به خوست‌هایشان، از جمله راه‌هایی است که جنبش‌زنان کشور برای رشد و اهتزاز گزیر از پیمودن آن است.

مادران و خواهران!

مادران و همسرانی که فرزندان و شوهران خود را در مسلخ جنگ و یا در زندان‌های رژیم از دست داده‌اند و خانواده زندانیان سیاسی، نقش موثری در رشد و گسترش جنبش زنان برهمه دارند. همیاری این خانواده‌ها، هم‌آهنگی و فشرده‌گی صفوفشان در افشای جنایات رژیم، روشنگری اذهان توده زنان در باره اهداف انسانی و شریفانه فرزندان و همسرانشان، بهره‌گیری از اشکال سنتی یادبود شهیدان و دیگر ابتکارات جمعی به نحوی که مشوق سایر زنان به هم‌راهی و هم‌گامی با آنان باشد، همه اشکالی از فعالیت انقلابی است که در تحلیل نهایی به اهتزاز جنبش دمکراتیک زنان یاری می‌رساند.

زنان آزاده!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بیانگر استین خواست‌ها و حقوق زنان کشور است. پاسداری از مادران و کودکان در زمره اهداف انسانی‌ماست.

- القای کلیه قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی در مورد زنان،
- تأمین برابری کامل حقوق زنان با مردان در زمینه‌های اشتغال، تحصیل، همسرگزینی و طلاق، سرپرستی کودکان و سایر شئون اجتماعی،

- ممنوعیت چند همسری

- تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و در اداره کشور،

- آزادی تشکیل سازمان‌های دمکراتیک زنان و تأمین حقوق آنان برای فعالیت سیاسی و اجتماعی، از اهم اهدافی است که سازمان مادر راه تحقق آنها مبارزه می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با ابراز صمیمانه‌ترین شادباش‌ها به مناسبت هشتم مارس، همه زنان آزاده کشور را به اتحاد و مبارزه در راه تحقق اهداف فوق فرامی‌خواند.

فرخنده باد ۸ مارس روز جهانی زن
پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی
رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اسفندماه ۱۳۶۷

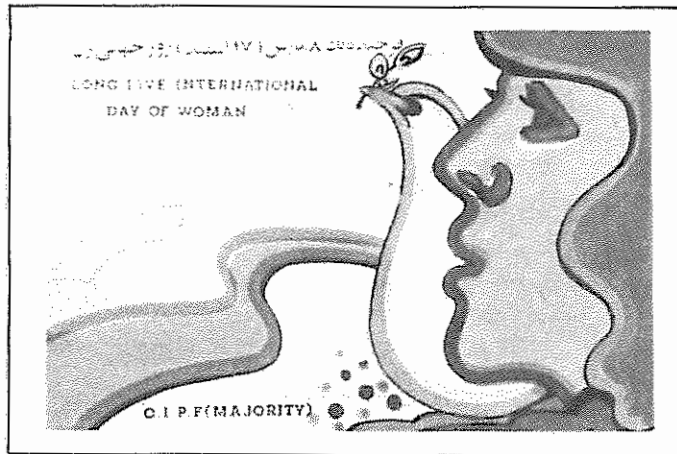
بقیه از صفحه اول

نسبت به زن لقب مرتجع ترین و جانی ترین دولت مرد روزگار را بخود اختصاص دهد.

داشتن دید ارتجاعی نسبت به زن، رکن اصلی تفکر بنیادگرای اسلامی است. مرگ پرستی همواره آن روی دیگر سکه زن ستیزی بوده است: چه در قرون وسطی و چه اکنون که نمونه ای از یک رژیم قرون وسطایی و جهانگردترین، در برابر انظار جهانیان قداره کشی می کند. اما فقها تشدیدکنندگان ستم بر زنان بوده اند و نه پدیدآورندگان آن. این ستم ریشه های عمیقی در جامعه ما دارد و سرنگونی فقها تنها می تواند آغازی برای روند طولانی آزادی زن در ایران باشد. تا زنان به آزادی دست نیابند، جامعه ما رنگ آزادی حقیقی را بخود نخواهد دید.

وظیفه بسی سنگین است، آنچنان سنگین که در برابر مجموعه تلاشی که برای آزادی زن در ایران باید صورت گیرد، تلاش برای سرنگونی حکومت فقها ساده و به مثابه گامی ابتدایی بنظر می آید. به اعتقاد ما نه فقط سازمانهای سیاسی چپ و دموکراتیک، بلکه اساسا خود زنان و تشکلهای آنان باید در کانون این تلاش قرار گیرند. زنان جامعه ما باید دریابند و باید که تاکنون دریافته باشند که آزاداندیش ترین مردان ایرانی، خود پرورده محیط فرهنگی و اجتماعی ایرانند و صرفا به همین خاطر هم که باشد، نمی توانند مدافع پیگیری حقوق زنان باشند.

در مبارزه برای آزادی زن، زنان ایرانی در خارج از کشور وظایف سنگینی برعهده دارند. تک تک آنها باید بخود به مثابه نمایندگان زنان ایرانی و پیام رسانندگان آنها بنگرند. آنها باید به مسئولیت خود واقف شوند و به تلاش برای تشکل یابی خود و بازتاب دادن فریاد زن ایرانی در سرتاسر جهان، مقدم بر هر چیز بتوانند. یک امر وجدانی بنگرند. این امر وجدانی می طلبد که آنان از همه امکاناتی که در خارج از کشور برای تشکل یابی و خودسازی و افشگری فراهم است، استفاده برند و دریابند که در برابر آن توده وسیعی که یک هزارم این امکانات را در اختیار ندارند، مسئولند. با تلاش فراوان باید از همه امکانات بهره جست و در همه حال فروتنی و متانت خود را در برابر آن توده



از وظایف مهم زنان ایرانی در خارج از کشور

سمبل رنج و مشقت حفظ کرد.

در صورت مبارزه افشاگرانه در خارج از کشور بسیار سخن گفته شده است، ما در اینجا این رکن

اصلی مبارزه را بدیمی فرض کرده و ضمن اشاره ای کوتاه به وظیفه تشکل یابی، به یک وظیفه اساسی زنان ایرانی مهاجر، یعنی خود سازی، می پردازیم.

تشکل یابی زنان ایرانی در خارج از کشور، آهنگی بسیار کند دارد. بیان کار ایرانیان مهاجر در زمینه ایجاد تشکلهای پناهندگان و یا تشکلهای دموکراتیکی در دفاع از جان زندانیان سیاسی، اگر چه هنوز ناچیز است، اما در مقایسه با امر تشکل یابی زنان ثمر بخش تر بوده است. تشکلهای زنان در کشورها و شهرهای مختلف اندکند و کم رونق. ای بسا که جدی گرفته نمی شوند و ای بسا که خود خود را جدی نمی گیرند. زنان باید با پیگیری و جدیت بباخیزند، تشکل ایجاد کنند و تشکلهای موجود را رونق و گستردگی بخشند.

تشکلهای دموکراتیک زنان پایه بس گسترده ای می توانند داشته باشند. در این زمینه باید همق ستم بر زن ایرانی را در نظر گرفت و با جدیت در برابر هرگونه تنگ نظری ایستاد. نباید این واقعیت انکار شود که بورژوازی ترین دید در صفوف زنان مترقی تر از دید فقهاتی نسبت به زنان است. زنانی که در تشکلهای دموکراتیک زنان، می گوشتند این تشکلهای را در کنار این یا آن سازمان سیاسی قرار دهند و با برخورد های تنگ نظرانه از توان گسترش یافتن این تشکلهای می گاهند، در واقعیت امر خود مساله زنان را جدی نگرفته و آن را امری تبعی، فرعی و درجه دو تلقی می کنند.

اما موضوع خودسازی و وظیفه ای که بسی کم بدان توجه می شود: زنان میهن ما برای مبارزه در جهت آزادی خود، به لشکری از سازمانگران و فعالین مجرب نیازمندند. در مهاجرت می توان در زمینه های معینی از امکانات خارج از کشور بهره جست و وظیفه کادر سازی را پیش برد. جنبش زنان در میهن ما به توده وسیعی از فعالین آشنا به آخرین دستاوردهای فکری و عملی حرکت زنان در کشورهای پیشرفته نیازمند است. خودسازی بنیاد دیگر وظایف است. بدون داشتن نیروهایی توانا، نه می توان تشکلهای قوی و پایدار داشت و نه وظایف سیاسی و اجتماعی را به نحوی موثر پیش برد. خودسازی امری دراز مدت است، اما وظیفه ایست که هر روز که به تعویق بیفتد بر سنگینی زنجیر ستم بر دست و پای زنان می افزاید. ما در شماره آینده بطور مشخص به این بخش از وظیفه زنان در خارج از کشور می پردازیم.

فهرست اسامی گروهی از زندانیان سیاسی زن اهدام شده در موج کشتار همگانی زندانیان سیاسی

- | | |
|---|--|
| ۱- باطنه ادب آواز | ۲۷- آزاده طبیب (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۲- نصرت ادب آواز | ۲۸- نیره نتمعلی |
| ۳- حرانگیر آفاق (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) | ۲۹- ملاحتی |
| ۴- مرضیه آیت الله زاده شیرازی (سازمان مجاهدین خلق) | ۳۰- سوسن بیرغندی |
| ۵- غفر احمدی (سازمان مجاهدین خلق) | ۳۱- زمانه قادری (سازمان زمینکنان کردستان کومله) |
| ۶- باطنه افغانی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۳۲- مرضیه تادیان |
| ۷- زینب باقری (سازمان مجاهدین خلق) | ۳۳- نیرفران پور |
| ۸- مرزانه پیری | ۳۴- کریمیان (دوخواهر) |
| ۹- موری جفتی | ۳۵- شعله لاله توحی (سازمان زمینکنان کردستان کومله) |
| ۱۰- مریم پورنجاتانی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) | ۳۶- سیمیندخت کیانی دهمردی (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۱۱- فریاد پیگری (سازمان مجاهدین خلق) | ۳۷- سیمیندخت کیانی دهمردی (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۱۲- لیلی صاحبان ژاد (سازمان مجاهدین خلق) | ۳۸- عمده گزانیان |
| ۱۳- تاهید موصلی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) | ۳۹- عمده گزانی (سازمان زمینکنان کردستان کومله) |
| ۱۴- ملیحه خوش شینه | ۴۰- مریم گلزاده فغوری |
| ۱۵- سیلا درویش کهن (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) | ۴۱- لطیفی |
| ۱۶- لیلی دلینی (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۲- مریم محمدی یمن آبادی (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۱۷- رحیمی (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۳- محیما (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۱۸- ملیحه ریزی وندی (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۴- شهنار میرزایی (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۱۹- زهره رلیسی | ۴۵- صابگیر مقدم (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۲۰- باطنه زارعی (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۶- پروانه نور محمدیان (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۲۱- همن سامی (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۷- زهرانیواتال |
| ۲۲- نعمیه ستوده | ۴۸- کبری ورفیعی (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۲۳- مری صلاحی | ۴۹- غایبه وطن دوست |
| ۲۴- زهرا سیدی سیاه اسطلخی (سازمان مجاهدین خلق) | ۵۰- سیلا محمودی (غرب توده ایران) |
| ۲۵- زانه غریبی (سازمان مجاهدین خلق) | ۵۱- نریده صدیقانی (سازمان پریرگ های فدائی انقلاب) |
| ۲۶- مری ظامری (سازمان مجاهدین خلق) | ... |
| | ... |

خراج سرپرست خبرگزاری جمهوری اسلامی از اسپانیا

دولت اسپانیا، سرپرست نمایندگی خبرگزاری جمهوری اسلامی در مادرید را به دلیل اعلام آمادگی صریح وی برای ترور سلمان رشدی، از این کشور اخراج کرد.

وزیر امور خارجه اسپانیا، اعلام داشت که اخراج "هللی اکبر جوانفکر" نماینده خبرگزاری جمهوری اسلامی، در پاسخ به تقاضای نمایندگان رسانه‌های همومی اسپانیا صورت می‌گیرد.

نماینده خبرگزاری جمهوری اسلامی پیش از تصمیم دولت اسپانیا، با شرکت در یک مصاحبه رادیویی آشکارا اعلام کرده بود، بافتوای خمینی در مورد سلمان رشدی موافق است و در صورت امکان وی را به قتل خواهد رساند. سرپرست خبرگزاری جمهوری اسلامی گفته بود: "من مسلمانم و امام خمینی را رهبر خود میدانم و قبل از هر چیز باید به وظایف دینی خود عمل کنم... و جزو کسانی هستم که برای کشتن سلمان رشدی آماده‌اند."

پس از انتشار اظهارات "جوانفکر"، نمایندگان رسانه‌های ممکنانی با صدور اعلامیه‌ای از دولت اسپانیا خواستند که وی را هر چه زودتر از اسپانیا اخراج کند.

شوار دناذزه در تهران

مذاکرات طرفین با پیگیری ادامه خواهد داد. در سومین دور گفتگوی ولایتی و شوار دناذزه، پیشنهاد شد که برای کمک به حل مساله افغانستان یک گروهی با شرکت کشورهای همسایه افغانستان تشکیل شود و در افغانستان منابع همه ائتشار و تروسمبا، از جمله گروهی که دولت کنونی کابل آنان را نمایندگی می‌کند، محفوظ باشد. در پایان مذاکرات وزیر امور خارجه شوروی، دو موافقت نامه سیاسی و فرهنگی توسط وزرای خارجه دو کشور به امضا رسید. در موافقت نامه فرهنگی، ارتقای مناسبات فرهنگی و چارچوب آن تنظیم شده و در توافق نامه سیاسی امزایش تماس‌های دیپلماتیک میان طرفین پیش‌بینی شده است. در تهران نمایندگان دو کشور موافقت خود را با آغاز مجدد صدور گاز، احداث خط آهن بندر عباس - سرخس احداث خط لوله انتقال نفت، انجام پروژه‌های تولید برق و راه‌سازی اعلام کردند.

مذاکرات ایران و عراق فروردین ماه از سر گرفته می‌شود

که قرار بود، کمیسیون مشترک نظامی ایران و عراق با حضور ده تن از افسران طرفین و با میانجیگری نماینده سازمان ملل تشکیل شود، به تعویق افتاد. دولت عراق با ارسال نامه به دبیر کل سازمان ملل، به وی اطلاع داد که عدم تشکیل کمیسیون نظامی مشترک به علت کارشکنی و مخالفت جمهوری اسلامی بوده است. سخنگوی وزارت امور خارجه جمعی اسلامی اظهار داشت که بعد از آغاز آتش‌بس نیروهای عراقی ۱۵۰ کیلومتر مربع در خاک ایران پیشروی کرده‌اند. روز سه‌شنبه هفته گذشته یک هیات سیاسی به سرپرستی لواسانی وارد نیویورک شد و با بیان الیاسون نماینده دبیرکل سازمان ملل در امور مربوط به مذاکرات صلح ایران و عراق دیدار کرد. قرار است یان الیاسون در هفته جاری با نمایندگان عراق گفتگو کند. این مذاکرات به منظور تسریع از سرگیری گفتگوهای وزرای خارجه دو کشور انجام می‌شود. از زمان تسلیم رژیم جمهوری اسلامی به قطعنامه صلح، تاکنون وزرای خارجه دو کشور فقط دو دور با یکدیگر ملاقات کرده‌اند.

سفر دورهای ادوارد شوار دناذزه وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در خارومیانه، در روز دوشنبه ۸ اسفند پس از دیدار از ایران و گفتگو با مسئولان جمهوری اسلامی پایان گرفت. ادوارد شوار دناذزه پیش از ورود به تهران از مصر، سوریه، اردن و عراق دیدن کرده بود. وزیر امور خارجه شوروی طی دوروز اقامت در تهران با خمینی، خامنه‌ای، رفسنجانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه دیدار کرد. وی حامل پیام میخائیل گارباچف به خمینی بود. شوار دناذزه روز یکشنبه با حضور در جماران پیام رهبر شوروی را در اختیار خمینی گذاشت. در دیدار وزیر امور خارجه شوروی با رهبران جمهوری اسلامی بن‌بست گفتگوی ایران و عراق و مساله افغانستان و اوضاع منطقه مورد بررسی قرار گرفت و شوار دناذزه تاکید کرد که شوروی بر تلاش خود مبنی بر حل مسالمت‌آمیز اختلاف ایران و عراق و تسریع روند

به گزارش منابع سازمان ملل قرار است مذاکرات وزرای خارجه ایران و عراق اواسط فروردین ماه سال ۶۸ از سر گرفته شود. بنا به پیشنهاد دبیرکل سازمان ملل و با توافق ولایتی و طارق عزیز وزرای خارجه ایران و عراق، محل مذاکرات نیویورک خواهد بود و خاویر پرز دوکولیار بر روند گفتگوها نظارت مستقیم خواهد داشت.

در اجلاس سه‌جانبه‌ای که دو هفته پیش در نیویورک برای تعیین روش ادامه مذاکرات برگزار گردید، دبیرکل سازمان ملل تاکید نمود که گفتگوی آتی در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ باشد و از اصرار بر مواضع اعلام شده قبلی که مانع پیشرفت مذاکرات می‌شوند، پرهیز شود.

روز یکشنبه ولایتی وزیر امور خارجه اعلام کرد برخلاف ادعای طارق عزیز، همچنان بخشی از مناطق ایران در اشغال نیروهای نظامی عراق است. وی گفت مناطق اشغالی ایران توسط عراق، ۲۴۵۰ کیلومتر مربع می‌باشد. قبلا گفته می‌شد که مناطق تحت اشغال عراق ۱۵۰۰ کیلومتر مربع است. روز چهارشنبه سوم اسفند

موسوی، رئیس ستاد فرماندهی کل قوا

میرحسین موسوی نخست‌وزیر، روز چهارشنبه سوم اسفند در مقام ریاست ستاد فرماندهی کل قوا، از ستاد نیروی دریایی سپاه دیدار کرد. در این دیدار معاونان موسوی در ستاد فرماندهی کل قوا، رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران، اعلایی فرمانده نیروی دریایی وی را همراهی می‌کردند. به هنگام دیدار موسوی از یگان موشکی و مخابرات سپاه، گزارش برنامه‌های آتی در اختیار وی قرار گرفت.

از زمانی که رفسنجانی به عنوان جانشین فرمانده کل قوا منصوب شد، سازماندهی یک ستاد فرماندهی که فرماندهان سپاه و ارتش در نیروهای سه‌گانه را هماهنگ سازد، در اولویت

برنامه بازسازی نیروی نظامی جمهوری اسلامی قرار گرفت.

ستاری فرمانده نیروی هوایی هفته گذشته در مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت که نیروی هوایی یک برنامه ۱۵ ساله تدوین کرده است. نیروی زمینی نیز برنامه‌ای جداگانه طراحی کرده که سفر ششمانی وزیر سپاه همراه فرماندهان نظامی به پاکستان در ماه گذشته، در چارچوب همین برنامه بود. اخبار غیررسمی منتشره از گفتگوها و ارزیابی فرماندهی نظامی جمهوری اسلامی، حاکی است که آنها برای بازسازی ارتش، خواهان ۲۰ میلیارد دلار اعتبار هستند.

تصویب طرح قطع کامل روابط

جمهوری اسلامی با انگلستان

نمایندگان مجلس شورای اسلامی هفته گذشته طرح قطع کامل مناسبات سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی با دولت انگلستان را با اکثریت آرا تصویب کردند.

بر اساس این طرح

که از سوی یکصد تن از نمایندگان به صورت "دو فوریت" به مجلس ارائه شد، جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک خود را با دولت انگلستان به عنوان اعتراض به حمایت این کشور از سلمان رشدی قطع می‌کند.

در طرح مصوب

مجلس، به دولت انگلستان یک هفته مهلت داده شده است تا از اعمال خود مبنی بر پشتیبانی از نویسنده کتاب "آیات شیطانی" در قبال جمهوری اسلامی، رسماً پوزش بخواهد. در پایان مهلت مقرر، سفارتخانه‌های دو کشور در تهران و لندن تعطیل می‌شود و یک کشور ثالث حمایت از منافع طرفین و انجام امور کنسولی اتباع آنان را تا زمان از سرگیری مجدد روابط، همده دار خواهد بود.

موسوی نخست‌وزیر روز چهارشنبه در پایان جلسه هیات دولت، طی مصاحبه رادیویی تاکید کرد در صورت عدم تحقق خواسته‌های جمهوری اسلامی بر اساس آن چه که مجلس تصمیم گرفته است، روابط ایران و انگلیس قطع خواهد شد. ◀

مالیات تازه

بر اساس لایحه‌ای که هفته گذشته تحت عنوان "مالیات تعاون ملی برای بازسازی" در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، از دارایی‌های غیرمنقول اشخاص حقیقی و حقوقی به نسبت ارزش اموال آنان مالیات گرفته خواهد شد.

البته، بنابه توضیح ایروانی وزیر اقتصاد و دارایی جمهوری، این لایحه به گونه‌ای طراحی شده که اگر فردی کارخانه و اراضی زیاد یا فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری داشته باشد... و حتی اگر ۲۰۰ میلیون تومان داشته باشد و یا هر مقدار وجوه نقد نزد بانک‌ها داشته باشد نیز مشمول این مالیات نمی‌شود.

طبق ماده ۲ و ۳ این قانون، املاک و مستغلات، حق واگذاری محل (سرقلی)، مغازه، نخلستان‌ها، باغ مرکبات خانه‌های مسکونی، سهام، اتومبیل شخصی ساخت خارج و اتومبیل شخصی سواری ساخت یا مونتاژ داخل که بعد از سال ۶۳ تولید شده است مشمول مالیات تعاون ملی برای بازسازی خواهند بود. مالیات این اموال بر حسب ارزش آنها در زمان ارزیابی تاریخ ۴۰ درصد محاسبه خواهد شد. بر اساس ماده ۱۳، وزارت دارایی موظف است طی ۳ سال

مالیات همه مشمولان این قانون را اخذ کند و مشمولین مالیات در صورت عدم تسلیم فرم مالیاتی و یا ارایه فرم خلاف واقع، به جریمه‌ای معادل ۵۰ درصد مالیات مقرر محکوم خواهند شد.

وزیر امور اقتصاد و دارایی هنگام ارایه لایحه، به نمایندگان مجلس گفت که تنها از طریق منابع سابق نمی‌توان نیازهای مالی دولت را تامین کرد و وضع نسبت به گذشته فرق کرده و "مانیاز به منابع جدید داریم".

اگرچه مالیات تازه به بهانه بازسازی و ویرانی‌های جنگ تصویب شده است، ارزیابی وضع مالی دولت نشان می‌دهد که درآمد حاصل از این مالیات نیز پیش از آن که صرف هزینه‌های زیربنایی و سرمایه‌های کشور شود، به چاه ویل کسری عظیم بودجه دولت سرازیر خواهد شد. طبق گزارش روزنامه اطلاعات "استقراض دولت از سیستم بانکی کشور به حدود یک هزار میلیارد تومان رسیده است" و مجلس ناچار شده است لایحه بودجه سال ۶۸ و متمم بودجه سال ۶۷ را به طور "سری" بررسی کند و تصمیم درباره آن را به مدت ۳ ماه به تعویق اندازد.

در یک بیمارستان تهران، ۸ تن از شدت سرما جان سپردند

موج گسترده سرما و برف هفته گذشته اکثر شهرهای کشور، بویژه مناطق سردسیر آذربایجان، کردستان و همدان را دربر گرفت. در همدان برودت هوا به ۳۱ درجه زیر صفر رسید و تعطیلی مدارس آن به علت شدت سرما ادامه یافت. در تهران در حالی که چندین میلیون نفر گرفتار سرمای بیسابقه بودند، عدم توزیع سوخت مشکلات مردم را دوچندان کرد. بر اساس گزارش‌های مطبوعات دولتی طی دی‌ماه و بهمن‌ماه مردم تهران فقط به اندازه ۱۰ روز گرمایش یک اتاق ۱۲ مترمربعی نفت دریافت کرده‌اند. طبق گزارش همین منابع ۲ تن در میدان راه‌آهن تهران یخ زدند و همچنین در مرکز روانپزشکی رازی در تهران طی دو ماه گذشته ۸ تن از بیماران به علت سرما و نداشتن سوخت بخاری‌ها، فقدان لباس گرم و غذا جان خود را از دست داده‌اند. در همین بیمارستان بخاری اکثر اتاق‌ها به علت نبود گاز و نفت خاموش است و روی چهل تخت بیمارستان، پنجاه و شش تن رابستری کرده‌اند.

۴۰ درصد ظرفیت دانشگاهی برای سپاه و جهاد

بنابه تصویب مجلس، از این پس دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، موظفند "ظرفیت ۴۰ درصد پذیرش دانشجویی" خود را به بسیجی‌ها و رزمندگان جبهه اختصاص دهند.

طبق تصمیم مجلس، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، قبل از آزمون ورودی مقاطع تحصیلی و بورس و اعزام، باید برای بسیجی‌هایی که حداقل ۶ ماه در مناطق عملیاتی در زمان جنگ خدمت کرده و یا می‌کنند و از طریق سپاه پاسداران و جهاد سازندگی معرفی می‌شوند، کلاس‌های تقویتی تشکیل دهند و آنان را برای حضور در دانشگاه آماده کنند.

۹۰ درصد صنعت دارویی کشور وابسته است

جمله بیماران "دیالیز" رو به اتمام است و هنوز دولت هلی‌شمار هشدار مسئولان پزشکی برای خرید آن اعتبار تامین نکرده است.

بنابه گفته دکتر نیک‌نژاد معاون دارویی بهداشت، از سال ۵۷ تولید دارو در کشور نه تنها افزایش نیافته، بلکه به علت عدم تامین مواد اولیه و ارز مورد نیاز، کاهش تولید کارخانه‌ها به بیش از ۲۰ درصد رسیده است. بر اساس سخنان دکتر نیک‌نژاد، ۹۰ درصد صنعت دارویی کشور از نظر تامین مواد اولیه و بسته‌بندی به خارج وابسته است و همین امر رکود تولید صنایع دارویی داخلی را تشدید کرده است.

بنابه گفته معاون دارویی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، علت کمبود دارو، ناکافی بودن دارو و وابستگی شدید صنایع دارویی کشور، به کمپانی‌های خارجی وابسته است هم‌اکنون در تهران و شهرستان‌ها در اکثر داروخانه‌ها، داروهای مورد نیاز نایاب است و تنها در تهران برخی مواد درمانی حیاتی در بازار سیاه به قیمت گزاف قابل دسترسی است. به علت شدت کمبود، در برابر داروخانه‌ها صف‌های طولیل تشکیل می‌شود و دارویی که به بیماران داده می‌شود، کمتر از مقداری است که پزشک معالج تجویز می‌کند. در بیمارستان‌ها نیز ذخیره درمانی برخی از گروه‌های بیماری، از

غضب کنترل شده

پس از صدور پیام سوم اسفند خمینی طبق معمول پیام از پس پیام صادر شد و همه آخوندهای بزرگ هم‌امه و کوچک هم‌امه و مسئولین ریز و درشت حکومت اسلامی پشتیبانی خود را از مفاد پیام خمینی ابراز کرده و اینجا و آنجا راه پیمایی "بیعت با امام" به راه انداختند. مثل همیشه هر جناحی پیام خمینی را دال بر درستی نظرات خود اعلام کرد.

منتظری نیز که در پیام خمینی زیر ضرب رفته بود، در پشتیبانی از آن اعلامیه‌ای صادر کرد و در آن تنگاب به یکی دو ناله خفیف اکتفا نمود.

خمینی در پیام خود گفته بود که در زمینه سیاست خارجی "نیازی به گسترش روابط خود نداریم" با الهام از این سخن خمینی نمایندگان مجلس در جلسه روز ۹ اسفند ماده واحده‌ای را تصویب کردند که در آن از وزارت خارجه خواستند که اگر انگلستان به رویه کنونی خود در برابر جمهوری اسلامی ادامه داد، روابط سیاسی تهران و لندن را بطور کامل قطع کند. این قضا به نسبت به

انگلستان که بخاطر ماجرای کتاب "آیات شیطانی" بالا گرفته است - قضی کنترل شده بود. وزیر خارجه انگلستان نیز واکنش متقابل لندن را تحت کنترل درآورده است. سر جفری هاها لام کرده است که لندن نیست روابط خود را با تهران قطع کند و برای حل مسائل پدید آمده تلاش می‌کند. شرط و شروططهایی که مجلس آخوندی گذاشته است، نیز حاکی از آن است که قضا به جمهوری اسلامی نسبت به انگلستان آنقدرها هم جدی نیست و آخوندها نمی‌توانند از فواید رابطه با انگلیس چشم‌پوشی کنند. اگر در هفته‌های جاری اتفاق خاصی پیش

نیاید دوباره یخ روابط جمهوری اسلامی و انگلستان شروع به ذوب شدن می‌کند و چندان طول نخواهد کشید که دیگر کشورهای بازار مشترک نیز روابط خود با جمهوری اسلامی را به سطح پیش از ماجرای سلمان رشدی برسانند. در حال حاضر روابط تهران و لندن، شاخصی است برای سنجش حد در کنترل بودن قضا به اسلامی سران حکومت. حتی اگر این روابط بطور کامل قطع شود، دیگر کشورهای عضو بازار مشترک تلاش خواهند کرد روابط شان با تهران، بیش از این به سردی نگرایند.

بقیه از صغمه آخر

ساختمان کنه چهار دیواری درست کرده است. اکثر مناطق شهر نظیر "حرام آباد" "مجبور آباد" فاقد امکانات برق و آب و فاضلاب و فیره می باشد. اکثر کسانیکه در دهسال گذشته در حاشیه شهر قرار گرفته اند روستائیان هستند. بخشی نیز ساکنان دیروزی شهرهای بانه و سردشت و سقز و... هستند که بر اثر جنگ به این شهر پناه آورده بودند که اکنون ماندگار شده اند."

در مورد بیکاری چنین می خوانیم:

"میدان کارگران که قبلا در چهارراه (ششم بعمن سابق) بود اکنون به خیابان سقز منتقل شده است. صبحها می توان بیش از هزار نفر را در این میدان دید که انتظار کار را می کشند. از دور که نگاه می کنی بیشتر به استادیوم ورزشی و یا تظاهرات می ماند. اینان کارگران ساختمانی هستند و ساهت های متوالی به انتظار صاحب کار خواهند ماند. اما خانه سازی بدلیل متفاوت از قبیل گرانی و کمبود وسایل و مصالح ساختمانی و بورکراسی حاکم بر ادارات بسیار کم است. انسان بیاد دوران پردگی می افتد، قوی ترین، بلندقدترین و زورمندترین و چست و چالاکترین آدمها گاهی موفق به یافتن کار چندروزه ای با قیمت نازل می شوند. بقیه که ساعت ها در حالت انتظار بوده اند، در سطح شهر پراکنده می شوند. میدان انقلاب، خیابان انقلاب، میدان های فروش گندم "قاسم آقا و حید امین آقا" همیشه مملو از این آدمهاست. آنها برای لقمه نانی برای فرزندان شان چه کارها که نمی کنند. زندگی بس دردناکی است، در آمد روزانه خیلی از اینها صفر است"

در ادامه این گزارش چنین می خوانیم:

"آنچه می نویسم بخشی از یک داستان یا رمان نیست واقعبیت است و چه بسا هر روزه هم تکرار شود. یکی از اهالی بوکان که فرزند خردسالش را از معاینه دکتر می آورد به دنبال تمییه دارو به داروخانه ای می رود جواب رد می شود تا اینکه در داروخانه... بچهاش را جا می گذارد و خودش را می کشد."

در بخش دیگری از گزارش آمده است:

"دزدی و فحشا بدی می باشد که در شرایط کنونی جلوگیری از

بوکان امروز تصویری از رنجهای بیکران خلق کرد

در این میان جوانان بیشترین فشار را تحمل می کنند، آنان در جمهوری اسلامی آینده ای ندارند و در شهرهایی نظیر بوکان که هیچگونه امکاناتی برای کار و تحصیل و اوقات فراغت ندارند. چکار می توانند انجام دهند. در این باره گزارشگر می نویسد:

"اطراف استخر بزرگ شهر (حوزه گوره) که محل

آن ممکن نیست، چندی پیش دست زنی را شب در خانه اش بخاطر انگویش قطع کرده بودند. شب ها اگر برادر در خانه بودند. بزند جواب می شنود اگر کاری داری فردا هم دیگر را ملاقات خواهیم کرد. مسافرت شیها در جاده ها با خطر همراه می باشد. از این اتفاقات هر روز و هر شب بوقوع می پیوندد."

جمع شدن و پاتوق جوانان بود اکنون دیگر امنیت وجود ندارد. چرا که تجمع همان و سر رسیدن پاسداران همان. پاسداران برای متفرق کردن جوانان اغلب به تیراندازی هوایی متوسل می شوند. البته اغلب برای دستگیری و روانه کردن آنها به پادگان ها به این محل می آیند. شبها پاسداران به منازل مردم می ریزند و بزور جوانان را می دزدند تا به سربازخانه ها ببرند. مسابقات فوتبال که عمده ترین سرگرمی مردم می باشد امنیت ندارد چرا بارها در هنگام مسابقات درب های استادیوم بسته شده، جوانان را محاصره کرده و دستگیر نموده اند" برخی از اینان در جبهه ها کشته شده اند.

در ادامه می خوانیم:

"تلخیها، زشتیها نامردمیها آنقدر زیاد می باشد که اگر صدها ورق بنویسی فقط درباره گوشه ای از فجایع که در بوکان رخ میدهد گفته ای، وضعیت روحی و روانی برخی از جوانان به علت وضعیت حاکم در آواراست، یکی از جوانان شهر در حالت مستی دو نفر را که یکی از آنها پدرزنش بوده می کشد، جلادان جمهوری اسلامی هم برای مبارزه با دزدی، فحشا و بزهکاریها که خود شامل بوجود آورنده آنان هستند به اعدام و کشتار جوانان می پردازند تاکنون تعدادی از جوانان را به اتهامات واهی اعدام کرده اند که آخرین آنها سه نفر از جوانان دیگر بودند.

در بخش پایانی گزارش چنین می خوانیم:

"زیباییهای طبیعی شهر را مورد تعاجم قرار داده اند. کلیه درخت های اطراف رودخانه را قطع کرده اند. قلعه تاریخی شهر و دیگر مکانها مورد نصب قرار گرفته اند، "خورنگ" که از محل های زیبای شهر در کنار استخر وسط شهر بود اکنون به علت اغلب مراکز که به مردم خدمات می رسانند به مقرر تبدیل شده است برای نمونه در شرایط عدم امکانات درمانی، بهداری شهر متر سپاه پاسداران شده است. خلاصه کنم تصویری که شاعران قدیم کرد در شعرشان از بوکان می آورند؟ انگار به گذشته های دور تعلق دارد، بوکان یکی از سندهای جنایت سران منفور رژیم جمهوری اسلامی می باشد مردم برای رهائی از اینهمه بدبختی انتظار انقلاب دیگر را دارند.

سه ریازی ون سرباز گمنام

که وه ندی ده چپته شوینی،
یوسه گوری سه ریازی ون،
تاجه گولینه یه ک دینی.
نه گهر سه بی،
وه فدیک بیته ولاتی من،
لیم پرسی،
"کوانی گوری سه ریازی ون؟"
ده لیم،
گهورم!
له که ناری مهر جو گه لی،
له سه سه کوی مهر مز گه وتی،
له بهر دهر گای،
مهر مالی،
مهر کلیسه بی،
مهر نه شکه وتی،
له سه سه گابه ر دی مهر شاختی،
له سه سه دره ختی مهر باخی،
له م ولاته،
له سه سه مهر بسته زمینی،
له ژیر مهر گزه ناسمانی،
مه تر سه ! که میک سه داخمو
تاجه گولینه که ت دانی

گر هیئتی به جایی برود،
به دیدن گور سرباز گمنام،
با خود تاج گلی می برد.
اگر فردا،
هیئتی به وطن من بیاید،
وازن من ببرد:
"کجاست گور سرباز گمنام؟"
خواهم گفت:
سرورم،
در کنار هر چشمه ای،
بر روی سکوی هر مسجدی،
دم در،
در هر خانه ای
کلیسایی،
و هر قاری،
بر روی هر تخته سنگی،
بر روی درخت هر باغی،
در این وطن،
بر روی هر وجب خاک،
زیر هر وجب از این آسمان،
نترس! سر خم کن و
تاج گلت را بگذار.

هداله پشوی

اعتصاب غذای فدائیان خلق در ژنو

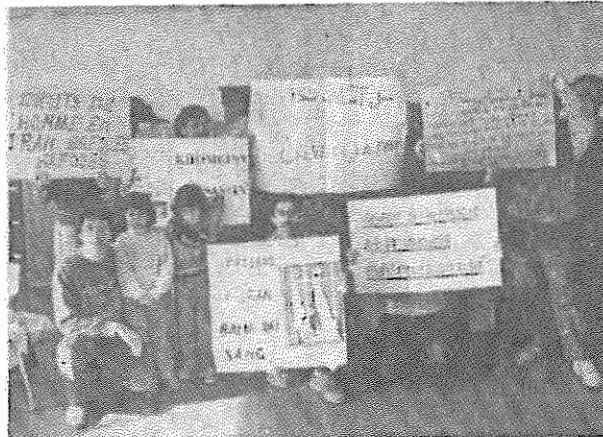
برای افشای فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

محکوم کرده و تاکید کرده اند که این پدیده را نمی توان از اعدام هزاران زندانی سیاسی در ایران جدا دانست. آنان در همین رابطه واکنش دولت ها، نهادها و خبرگزاری های ملی و بین المللی در مقابل کشتار هزاران زندانی سیاسی در ایران را که متناسب با ابعاد این فاجعه عظیم بشری نبوده است را مورد انتقاد قرار داده اند.

ارائه اسناد کشتار زندانیان سیاسی به کمیسیون حقوق بشر

در روز دوشنبه ۲۵ فوریه نمایندگان از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) با رئیس چهل و پنجمین اجلاس جهانی حقوق بشر سازمان ملل که در ژنو در جریان است ملاقات کرده و اسناد و مدارک جنایات رژیم در کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران، فهرست اسامی زندانیان سیاسی اعدام شده و عکس هایی از گورهای جمعی را در اختیار ایشان گذاشتند. همچنین ملاقات هایی در ژنو با مسئول کمیسیون ارائه گزارش در مورد حقوق بشر در ایران به اجلاس

حقوق بشر سازمان ملل و مسئول بررسی بخش اعدام های مخفیانه و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل صورت گرفت در این ملاقات ها نمایندگان سازمان اطلاعات و اسناد مربوط به کشتار همگانی زندانیان سیاسی را در اختیار مسئولین امر قرار دادند. گزارش نهایی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل پس از تصویب در چهل و پنجمین اجلاس حقوق بشر سازمان ملل در ژنو، انتشار خواهد یافت.



عکسی از اعتصاب غذای فدائیان خلق در ژنو

- درخواست از دولت های اروپایی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای پذیرش یک هیات از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل. این هیات باید بتواند از زندان های جمهوری اسلامی و محل گورهای جمعی کشف شده بازدید کند بدون حضور مأمورین باقیمانده زندانیان سیاسی و خانواده های اعدام شدگان گفتگو کند.

- اعلام تعداد و اسامی اعدام شدگان و ذکر اتهام و هلت اعدام و محل دفن هر یک از قربانیان این فاجعه بطور جداگانه توسط جمهوری اسلامی

- اعمال فشار بین المللی به جمهوری اسلامی برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران.

فدائیان خلق در ژنو در پایان قطعنامه خود صدور حکم اعدام برای سلمان رشدی توسط آیت الله خمینی را تجسم بارزتری از عملکرد و تفکر قرون وسطایی جمهوری اسلامی دانسته آن را بشدت

رعایت حقوق بشر در ایران بر جمهوری اسلامی اعمال فشار کند. در طول اعتصاب غذا پیام های همبستگی متعددی دریافت شد منجمله کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست اطریش، سازمان حقوق بشر اسپانیا، کلوب یونسکو مادرید و اتحادیه همومی کار اسپانیا با ارسال تلگرام هایی همبستگی خود را با فدائیان اعتصابی و اهداف آنان در این حرکت ابراز داشتند، فدائیان خلق در پایان اعتصاب غذای خود قطعنامه ای صادر کردند. در این قطعنامه اقدامات اخیر رژیم برای پوشاندن جنایت کشتار زندانیان سیاسی افشا گردید. قطعنامه اعتصاب غذا توسطه رژیم برای نشان دادن اخبار آزادی زندانیان سیاسی بجای اخبار قتل عام آنان اعدام گسترده و جنایتکارانه قاچاقچیان و سوءاستفاده از نفرت مردم نسبت به گسترش اعتیاد برای به فراموشی سپردن قتل عام زندانیان سیاسی و تلاش رژیم برای تخریب روان اجتماعی و هادی کردن مرگ و کشتار با براه انداختن موج اعدام ها در ملاعام و جلو دیدگان مردم، محکوم و افشاء شده است. در قطعنامه بار دیگر بر خواستهای اعتصاب غذاکنندگان تاکید شده است این خواستها عبارتند از:

- قطع فوری اعدام زندانیان سیاسی در ایران

در شرایطی که چهل و پنجمین اجلاس حقوق بشر سازمان ملل در ژنو در جریان بود جمعی از فدائیان خلق (اکثريت) بدنال شرکت در تظاهراتی در برابر کاخ ملل مقرر سازمان ملل در محلی در مرکز شهر ژنو دست به اعتصاب غذا زدند. قابل ذکر است اعتصاب غذایی که برای دو هفته قبل از آن در ژنو تدارک دیده شده بود، بخاطر ممانعت پلیس سوئیس به تعویق افتاد.

اعتصاب غذای فدائیان خلق در ژنو بازتاب وسیعی در میان محافل سیاسی و رسانه های بین المللی داشت. در طول مدت اعتصاب غذا که تا ۲۵ فوریه ادامه داشت خبرنگاران متعددی از روزنامه های مختلف برای تهیه گزارش به محل مراجعه کردند و با اعتصاب کنندگان مصاحبه کردند. روزنامه های فرانسوی زبان "سوئیس"، "تریبون"، "۲۴ ساعت"، به درج خبرها و گزارش هایی از اعتصاب غذا و خواست های مطرح شده پرداخته و گوشه ای از جنایت هولناک خمینی در کشتار زندانیان سیاسی را بازتاب دادند. روزنامه پرتیراژ "کوریر" نیمی از صفحه اول و یکی از صفحات داخلی خود را به چاپ عکس های گورهای جمعی در گورستان خاوران و درج مصاحبه ای انجام شده با یکی از فدائیان خلق اختصاص داد. چهار فرستنده رادیویی بخش فرانسوی زبان سوئیس با پخش مصاحبه با اعتصاب کنندگان و با گزارش از آن واقعه کشتار هولناک زندانیان سیاسی ایران را در سطح وسیع تری مطرح کردند.

نشریه "واورنالیته" ارگان حزب کار سوئیس ضمن درج گزارشی از این حرکت اعتراضی در سوئیس، اطلاعات کمیته مرکزی حزب کار سوئیس را که بهمین منظور صادر شده بچاپ رسانده است. در این اطلاعات ضمن توصیف جنایات هولناکی که در زندان های ایران به وقوع پیوسته است، از دولت سوئیس خواسته شده است که برای توقف این اقدامات "بربرمنشانه" و

Jeudi 23 février 1989

DROITS DE L'HOMME À L'ONU

FEUX SUR L'IRAN

Une manifestation, regroupant une trentaine de ressortissants iraniens, s'est tenue lundi dernier devant la grille du Palais des Nations, au moment où se déroule la conférence de l'ONU sur les droits de l'homme.

نمونه ای از بازتاب خبر تظاهرات در ژنو در مطبوعات سوئیس

تنگ و نفرت بر خمینی جلاد!

که "ایران دیگر"ی نیز وجود دارد که سالهاست با پیگری خونین در برابر هجوم ملایان به هر آنچه نشان از آزادی و آزادمندی دارد، پایداری می‌کند. باید نشان دهیم که فرهنگ ملی غنی ما، با بختکی که در هیات رژیم آخوندی بر مردم ایران تحمیل شده، سرسازگاری ندارد. قهرمانانی که در زندانهای رژیم بر سر آرمان خود جان باختند، بهترین گواه این امرند.

در این هفته نیز گزارش‌هایی از چند کشور در مورد تظاهرات و اعتراضات علیه قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران به دست ما رسیده است که در این شماره می‌خوانیم.

زندانیان سیاسی، در افشای رژیم که می‌کوشد آزادی تعدادی از زندانیان را برای تحت الشعاع قرار دادن جنایات خود مورد بهره‌برداری قرار دهد، در پراکندن آگاهی هر چه بیشتر از فاجعه ملی کشتار همگانی زندانیان سیاسی، افزوده می‌شود. امروز، هر اقدامی چند برابر گذشته بازتاب دارد. ما باید به جهانیان نشان دهیم که مردم ایران خود بیش از همه قربانی تاریخ‌اندیشان حاکمند. باید به همگان نشان دهیم

خمینی قرار گیرد. اکنون که توجه جهانیان بر اثر فرمان جنایتکارانه خمینی برای قتل سلمان رشدی، به کشور ما جلب شده است، باید در همه جا فریاد برآورد که فقط از سالها پیش دستان خود را به قتل دهها هزار ایرانی آزاده آلوده‌اند. باید محکومیت و انزوای این رژیم را از همه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نیروهای سیاسی طلبید. در این شرایط، بر اهمیت اقدامات در دفاع از جان باقیمانده

به جرات می‌توان گفت که در هفته‌های اخیر، بسیار بر ابعاد نفرت و انزجار جهانی از رژیم تبه‌کار خمینی افزوده شده است. مردم هر چه بیشتری در کشورهای مختلف، در جریان فجایعی که در ایران تحت حکومت آخوندها صورت گرفته است، قرار می‌گیرند. جمهوری اسلامی به عنوان رژیمی که نه تنها در داخل ایران، بلکه در سایر کشورها نیز آزاداندیشی را آماج کینه جنایتکارانه خود قرار داده است، برای محافل هر چه گسترده‌تری شناخته می‌شود. این شرایط مساعد، باید در خدمت افشاکاری علیه جنایات

آلمان فدرال :

بزرگداشت شهدای خلق و فدائیان بخون خفته

لبنان، حزب کمونیست اسپانیا، جبهه فارابوندومارتی السالوادور، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست عراق، سازمان آزادیبخش فلسطین، شورای صلح، لیست صلح و برخی از شخصیت‌های ترقیخواه و دمکرات. در متن پیام همبستگی مشترک احزاب برادر آمده است: "ما با همه سازمانهای ترقیخواه ایران و از آن جمله، سازمان شما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، که اعضا و کادرهای فراوانی را در این جنایت ددمنشانه از دست داده‌است، اعلام همبستگی

نموده، ضمن آرزوی پیروزی در مبارزاتتان برای وحدت در جنبش دمکراتیک مردم ایران، به شما برای فم از دست دادن یارانانتان تسلیت می‌گوئیم." "همین احزاب در نامه‌ای به مقامات جمهوری اسلامی، اهدام زندانیان سیاسی، و از جمله اعضای سازمان ما را محکوم کردند.

مسئول روابط بین‌المللی حزب سبزهای آلمان فدرال با حضور در مراسم بزرگداشت، همبستگی حزب خود با مردم ایران را مجدداً مورد تاکید قرار داد. وی دولت آلمان فدرال را به هلت برقراری روابط گسترده با جمهوری اسلامی به شدت محکوم کرد. سخنان نماینده حزب سبزها، با شعارهای حاضران مورد استقبال قرار گرفت.

از مراسم ۱۸ فوریه، سه کاتال تلویزیونی و چندین روزنامه گزارش تهیه کرده، آن را منعکس نمودند. بقیه در صفحه بعد

در روز ۱۸ فوریه برابر با ۲۹ بهمن، بن پایتخت آلمان فدرال شاهد مراسم بزرگداشت شهدای خلق و فدائیان به خون خفته، قربانیان قتل‌عام اخیر زندانیان سیاسی ایران بود که به دعوت فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال برگزار شد. بدنبال انفجار بمبی در مراسم سخنرانی سازمان مجاهدین خلق ایران در شهر کلن، مقامات بن بطور یکجانبه و بدون دلیل موجه، قرارداد اجاره سالنی را که بدین منظور بسته شده بود، لغو کردند. از این رو مراسم هلیرقم ریزش باران در میدان مرکزی شهر بن برگزار شد. برگزارکنندگان مراسم، ضمن محکوم کردن تلاشهای تروریستی و توطئه‌گرانه رژیم خمینی برای جلوگیری از اقدامات اپوزیسیون ترقیخواه و انقلابی در مهاجرت، از دولت آلمان فدرال خواستند به جای محدود کردن سازمانهای اپوزیسیون ایران، برای حفظ امنیت مراسم رسمی و قانونی سازمانهای ایرانی اقدام کند.

شرکت‌کنندگان در مراسم بن، بر هزم راسخ خود برای مبارزه با رژیم خمینی تاکید کردند و با شهدای خلق و فدائیان به خون خفته عهد بستند که راه آنها را ادامه دهند.

احزاب و سازمانهای زیر با مراسم شهر بن اعلام همبستگی کردند: حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست آفریقای جنوبی، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست

اعتصاب غذای فدائیان خلق در آتن

- ۲- کمیته صلح یونان
- ۳- سندیکای کارگران ساختمانی (آتن)
- ۴- کوراکیس استراپیس - نماینده پارلمان از حزب کمونیست
- ۵- دیاماندیس مرادوفلو - نماینده پارلمان از حزب کمونیست
- ۶- کوستاس کاپوس - نماینده پارلمان از حزب کمونیست
- ۷- جنبش خلقی آرامنه-یونان
- ۸- انجمن دانشجویان کرد (اروپا)-یونان
- ۹- حزب کمونیست لبنان - یونان
- ۱۰- اتحادیه دانشجویان عراقی-یونان

این حرکت در برخی از روزنامه‌های یونان از جمله روزنامه ارگان حزب کمونیست و ارگان حزب چپ یونان منعکس گردید.

از سوی فدائیان خلق در یونان از روز ششم فوریه در آتن اعتصاب غذای سازمان داده شد که تا روز ۱۱ فوریه ادامه یافت. این اعتصاب که به منظور جلب توجه افکار عمومی یونان به آنچه که در زندانهای ایران می‌گذرد، سازمان داده شد، در محلی در مرکز شهر آتن برپا گردید. پیش از آغاز اعتصاب و همزمان با آن اعلامیه‌های افشاکرانه بسیاری پخش گردید. در طول روزهای اعتصاب غذا، محل اعتصاب به مرکز حضور و تردد ایرانیان مقیم آتن تبدیل شد که برای ابراز همبستگی با اعتصاب‌کنندگان و ابراز انزجار از جنایات خمینی، بدانجا مراجعه می‌کردند. قطعنامه پایانی اعتصاب توسط سازمانهای زیر امضا گردید:

۱- جنبش دمکرات مسیحی یونان

اعلام همبستگی سازمانهای سوئدی

همچنین تعدادی از سازمانهای هوادار صلح در شهر اوملوی سوئد با صدور بیانیه‌ای، از دولت سوئد خواست‌اند فاجعه قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران را محکوم کند. این سازمانها عبارتند از: زنان برای صلح، اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی، کمیته صلح سوئد، مسیحیان هوادار صلح، اتحادیه پاسیفیستهای هوادار صلح، جمعیت هواداران ملل متحد و نیروهای مخالف اسلحه‌اتمی

سازمان جوانان حزب کمونیست چپ سوئد (منطقه بوئوس) در فراخوانی تحت عنوان "اقدامهای دسته‌جمعی را در ایران متوقف کنید" ضمن اشاره به موج اهدام زندانیان سیاسی ایران پس از برقراری آتش‌بس، خواهان قطع فوری اقدامات، رعایت بیانیه حقوق بشر از سوی حکومت ایران، و محکومیت جمهوری اسلامی در پارلمان سوئد شده است.

تنگ و نفرت بر خمینی جلاد

بقیه از صفحه قبل

پاکستان: "ایرانی حکومت مرده باد"

شماره از نیروهای سیاسی دمکراتیک پاکستان در روز ۲۴ ژانویه در کراچی تظاهراتی در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی ایران سازمان دادند. این تظاهرات به دعوت حزب کمونیست و حزب دمکراتیک انقلابی پاکستان صورت گرفت و در آن، احزاب و سازمانهای زیر نیز شرکت کردند:

- حزب وطن دوست انقلابی
- حزب مزدور کسان
- قومی محاذ آزادی
- حزب کارگران پاکستان
- حزب سوسیالیست پاکستان
- فدراسیون دانشجویان دمکرات پاکستان
- فدراسیون ملی دانشجویان پاکستان
- سازمان دانشجویان
- فدراسیون دانشجویان پختون
- حزب ملی پاکستان
- جنبش مترقی جوانان
- انجمن دمکراتیک زنان پاکستان

شرکت کنندگان، با دادن شعارهایی مانند مرگ بر حکومت ایران ("مرده باد!!!") و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند، و در دست داشتن پلاکاردهایی در محکومیت جمهوری اسلامی، به سمت پر رفت و آمدترین محل کراچی راهپیمایی کردند.

سخنرانان میتینگ پایانی تظاهرات کراچی عبارت بودند از اختر حسین دبیر حزب کارگران پاکستان، جام ساقی عضو هیات سیاسی حزب کمونیست پاکستان، زبیر رحمان از رهبران حزب دمکراتیک انقلابی و شاهد بلوچ از رهبران جنبش مترقی جوانان.

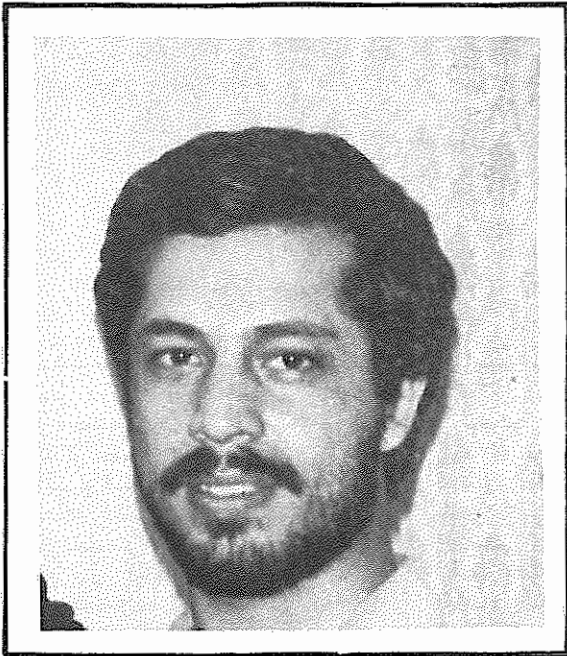
سخنرانان، با پرداختن به شمار وسیع زندانیان سیاسی که کشته شده‌اند و وضعیت زندانیانی که خطر، جان آنها را تهدید می‌کند، و به ویژه زنان زندانی، رژیم اسلامی را به شدت محکوم کرده، خواهان آزادی بیدرنگ همه زندانیان سیاسی ایران شدند. سخنرانان همچنین خواستار اتمام هیأتی از وکلا و حقوقدانان برای بررسی وضع زندانیان سیاسی و جنایات رژیم ایران گردیدند.

همچنین در روز ۲۲ ژانویه به دعوت انجمن دمکراتیک زنان پاکستان، تظاهراتی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در کراچی صورت گرفت. در این تظاهرات، شماری از زنان آزادیخواه پاکستانی اعدام زندانیان سیاسی، به ویژه اسرای زن را در ایران محکوم کردند. پس از آنکه مسئولان کنسولگری، از دریافت یادداشت اعتراض شرکت کنندگان در تظاهرات خودداری کردند، صف تظاهرات به مقابل دفاتر روزنامه‌های کراچی حرکت کرد و فریاد اعتراض علیه اعدام زندانیان سیاسی در ایران را سرداد.

در روز ۲۳ ژانویه نیز به دعوت انجمن دمکراتیک زنان پاکستان، در مقابل "دفتر فرهنگی ایران" در لاهور تظاهراتی علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران صورت گرفت. در این تظاهرات طاهره مظفر علی‌خان دبیرکل انجمن دمکراتیک زنان پاکستان شرکت داشت.

کلیشه‌ها، بازتاب اقدامات نیروهای دمکراتیک پاکستان در دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران در مطبوعات پاکستان را نشان می‌دهد.

فدائی خلق سیامک ملکی پرورده انقلاب بهمین



سیامک بزرگ شده یکی از محلات شرق تهران بود. وی با فروتنی و پاکی خود، شهره مردم محل بود. وقتی که امواج انقلاب بهمین تازه فرا می رسیدند وی مناسب ترین کسی بود که بتواند جوانهای محله را سازمان دهد. آنها با برپایی میتینگ های موضعی، شعار نویسی و ... طلیعه انقلابی بودند که فرا می رسید.

رفیق سیامک ملکی مبارزه فعال علیه رژیم شاه را همزمان با آغاز تحصیلات عالی شروع کرد. وی دانشجوی مدرسه عالی بازرگانی بود. در دانشکده از فعالین اصلی بود و پس از آغاز فعالیت "پیشگام" او از مسئولین پیشگام دانشکده شد. بدنبال بلوای خونین "انقلاب فرهنگی" تحصیلات عالی رفیق سیامک متوقف گردید. وی چندی بعد حکم اخراج خود را از دانشکده دریافت کرد.

فدائی خلق سیامک ملکی که از مسئولین پیشگام و جوانان فدائی بود، پس از انتقال به سازمان، در واحد شرق تهران مسئولیت های متعددی را بر عهده گرفت. کوششها و تلاش او در بازسازی تشکیلات شرق پس از ضربات سال

۶۲ فراموش ناشدنی است. در همین دوره به ابتکار و فعالیت سیامک نشریه ای خبری منتشر گردید که به بازتاب اخبار و رویدادهای منطقه شرق تهران و عملکرد ضد مردمی کارگزاران رژیم در این منطقه می پرداخت. سیامک برای انجام هر کاری برای سازمان و برای مردم توانائی و آمادگی داشت.

در آبانماه ۱۳۶۴ یکی از قرارهای او در خیابان پیروزی تهران بوسیله ساواک خمینی کشف می شود و او در همان محل قرار دستگیر می شود. در زندان پس از تحمل دوره طولانی شکنجه و شلاق به دادگاه برده شده و به ۸ سال زندان محکوم می گردد. دوره زندان را با استواری و سر بلندی طی می کرد. تا بالاخره پس از ده سال مبارزه مستمر و ۲۹ سال زندگی در کشتار جمعی زندانیان سیاسی جان باخت.

یاد او جاودان و خاطره اش پاینده باد.

Daily AMN Karachi.

ایران میں سیاسی کارکنوں کی چالیسی پر ترقی پسند جانتوں کا احتجاج

مشکل بن رہا ہے۔ لیکن جبکہ پیشکش ہے۔ ان کی ہمت ہے۔ روزنامہ جنگ کراچی (2) پر 23 جنوری 1989ء

ایران میں سرکوت پسند خواتین کا مظاہرہ

کراچی (پ ر) - انیس برسوں کے بعد خواتین کی صدر گزرتی

Executions in Iran: women protest

یکپارچه و متضاد را در خود بازتاب می دهد برای وظایف عموم بشری در قبال دیگر وظایف طبقاتی و دلی اولویت قابل است. میخائیل گارباچف تاکید می کند که "هسته تفکر نوین پذیرش اولویت ارزش های عموم بشری و بازهم دقیق تر، بقای بشریت است."

اولویت وجه عموم بشری تفاوت های طبقاتی و ملی و بنابراین تضادها، مبارزه و رقابت ناشی از این تفاوت ها را زایل نمی سازد. دل بستن به این که در نتیجه پیدایی اهداف مشترک و مقدم برای همه انسان ها این تفاوت ها و تضادها از میان خواهند رفت، توهمی ساده لوحانه است. اما امید به تغییر فضای سیاسی رویارویی در راستایی که برای جستجوی پلاتفرم مشترک دستیابی به اهداف عموم بشری مساعد باشد، امیدی کاملا واقعی است.

تفکر نوین سیاسی با بیان منافع عام بشریت نمی تواند در انحصار فلان ایدئولوژی و از جمله در انحصار مارکسیسم باشد. تمام جوهر تفکر نوین سیاسی عبارت است از پیدا کردن روش و زبان مشترک برای حل مشترک مسایل گلوبال.

خود روند پیدایش تفکر نوین گویای خلصت عموم بشری آن است. نخستین جوانه های این تفکر نه در جنبش کارگری و نه بر زمینه مارکسیسم بود که پدیدار گشت. بشارت دهندگان تفکر نوین در دوره پس از جنگ شخصیت های بزرگی بودند که روشنفکران بشر دوست را نمایندگی می کردند: نیلس بور، آلبرت اینشتین، برتراند راسل و دیگران. امروز هم این تفکر در جنبش های دموکراتیک توده ای و بیش از همه در جنبش ضد جنگ پرورش می یابد. اوپر، نایب رئیس حزب کمونیست آلمان می گوید: ما جنبش صلح را حامل اجتماعی تفکر و عمل نوین می دانیم. ایده ها، پیشنهادات و نظریاتی که پاسخ مهم ترین مساله زمان را فرمول بندی می کنند در همین جنبش صلح است که شکل می گیرند و رشد و تکامل می یابند. تاثیر این جنبش ها بر انکشاف گسترده آگاهی صلح دوستی امروز دیگر در برابر چشمان ماست."

سوالی پیش می آید که دارای اهمیت اصولی است: آیا تفکر نوین سیاسی با خلصت طبقاتی ایدئولوژی سازگار است؟

پیش از همه باید روشن سازیم که تفکر نوین چگونه با مارکسیسم که یک ایدئولوژی طبقاتی است و هدف خود را نیز القانظام استثماری اعلام می کند، سازگاری دارد.

مارکسیسم با خلصت عموم بشری تفکر نوین در تضاد نیست، چرا که از بدو پیدایش، مبانی عموم بشری و طبقاتی را در خود تلفیق کرده است. خود جنبش کارگری و مارکسیسم به مثابه بیان منافع طبقاتی بنیادی این جنبش، از نیاز حیاتی ابراز هویت طبقه کارگر به عنوان نیروی اجتماعی رهایی تمامی بشریت برخاسته اند.

تمام معنای تلفیق تئوری مارکسیسم با پراتیک جنبش کارگری در آن است که این جنبش را از حصار منافع خاص کارگری بیرون آورد و طبقه کارگر را تا سطح طبقه های سیاسی که قادر است خواست عمومی نیروهای مترقی را

مارکسیسم و تفکر نوین سیاسی

نوشته: یوری کراسین

دکتر علوم فلسفی، رئیس انستیتوی علوم اجتماعی
جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

برگرفته از نشریه "مورخ سیاسی" شماره ۱۸ - دسامبر ۱۹۸۸

جهان امروز منافع عموم بشری و بیش از همه خواست حراست از نوع بشر را در صدر قرار می دهد.

بشریت با تضاد فیر متعارفی روبرو گردیده است که مارکسیست با آن راپیش بینی نکرده بودند. از یک سو، یکپارچگی و وابستگی متقابل جهان اکیدا از بشریت تصمیماتی عمومی و اقداماتی مشترک طلب می کند. از سوی دیگر جامعه بشری منقسم به طبقات و سیستم های اجتماعی متضاد است. همین تضاد است که الزامی ضرور را در برابر سیاست قرار می دهد - تناسب بر خورد طبقاتی با بر خورد عموم بشری که خواست عمومی تمامی طبقات، ملل و دولت ها را برای حراست از تمدن بیان می کند.

جهان ما با همه انفکاک اجتماعی - طبقاتی و ملی - دولتی خود، از یک زیربنای عمومی برخوردار است و همین زیربناست که در وضعیت بحرانی قرار گرفته

است. برون رفت از این وضعیت اکیدا مستلزم مساعی مشترک و همیاری قوای فکری و اجتماعی تمام جامعه جهانی است. هر قدر هم تفاوت های اجتماعی - طبقاتی که انسان ها را از یکدیگر تفکیک می کند عمیق باشند، هلاکت و یا جان به در بردن آنها تنها به اتفاق میسر است. تمام بشریت در کشتی واحد تمدنی مزاران ساله نشسته است که امواج سرکش مسایل گلوبال آن را زیر تازیانه گرفته و به فاجعه تهدید می کنند. چنین است واقعیتی که کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری و احزاب کمونیست با آن روبرو هستند.

قبلا می شد چنین انگاشت که: ابتدا سوسیالیسم در سراسر جهان به پیروزی خواهد رسید و سپس می توان با آسودگی به حل مسایل خلیع سلاح، مخیطیز یست، جمعیت و نظایر آن پرداخت. اما امروز روشن است که روندهای بحرانی در رشد و تکامل تمدن بشری که در مسایل گلوبال تجلی یافته است به هر دو سیستم برمی گردند و به هیچ وجه همیشه به تضادهای میان سرمایه داری و سوسیالیسم مربوط نمی شوند. زمان امان نمی دهد. مسایل مبرم عموم بشری باید همین امروز به مدد مساعی مشترک حل و فصل گردند.

تفکر نوین سیاسی که واقعیت جهان

معموم تفکر نوین سیاسی در واژه شناسی سیاست معاصر به خوبی جا افتاده است. تفکر نوین سیاسی در برگیرنده مجموعه ایده ها و روش هایی است که منافع تمام انسان ها را مستقل از تعلق طبقاتی، ملی، و دولتی شان بیان می کند. خلصت فراگیر و گیتی شمول تفکر نوین سیاسی طبعاً این مساله را پیش می کشد که آیا این تفکر با نظریات مارکسیستی پیرامون طبقات و مبارزه طبقاتی و پیرامون ایدئولوژی سیاسی به مثابه سیستمی از ایده ها که منافع طبقاتی را بیان می کنند، سازگاری دارد یا خیر. موضوع تاثیر تفکر نوین سیاسی بر رابطه متقابل ایدئولوژی ها و بر مبارزه ایدئولوژیک نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

ماهیت عموم بشری تفکر نوین سیاسی

موضوع تفکر سیاسی را واقعیت های سیاسی تشکیل می دهند: مناسبات حکومتی، منافع طبقاتی و ملی، تناسب قوا، رفتار دولت ها، طبقات، احزاب، و رهبران آنها، مفهوم کلیدی در تفکر سیاسی و نیز در خود سیاست به طور کلی، منافع است. هر چند اکثر ایده ها و تئوری های سیاسی به انسان، به موازین بشر دوستانه و دموکراسی، و به اصول عالی آزادی و عدالت متوسل می شوند، اما در عمل در پشت تمامی این ایده ها و تئوری ها منافع واقعی اجتماعی - طبقاتی، ملی، و دولتی و قصدات و دفاع از این منافع خوابیده است. تاریخ مکاتب سیاسی مشحون از ستیز توفانی و پی در پی ایده های است که منافع طبقاتی را بازتاب می داده اند، منافعی که در عرصه زیربنای اقتصادی شکل می گرفته اند و با موقعیت و گروه های اجتماعی در جامعه معین می شده اند.

با ورود بشریت به عصر هسته - فضا اوضاع اساساً دگرگون شده است. خطر فاجعه هسته ای خواست مشترکی را در تمامی ملل و کشورها و بدون استثناء در تمامی طبقات برانگیخته است - خواست بقا - اشتراک سر نوشت نوع بشر به روشنی نمایان گشته است و این امر نگرشی نوین به جهان را ایجاب نموده و تجدید نظر در برخورد های معمول سیاسی را ضرور ساخته است. بر خورد طبقاتی نسبت به تفکر سیاسی در تعبیر پیشین آن ناکافی می نماید. یکپارچگی

سرمایه‌داری و سوسیالیستی شرایط مساعده‌ی را برای این تنظیم فراهم ساخته‌اند، آنچه که بیش از هر چیز در این امر تأثیر داشت خصوصیت آشتی‌ناپذیری بود که تدرت‌های امپریالیستی در رابطه با سوسیالیسم نو بنیاد ابراز می‌داشتند. و البته مارکسیست‌ها هم به ظرفیت سرمایه‌داری کم بها می‌دادند و به گذار نسبتاً سریع و مستقیم جامعه به سوسیالیسم امیدوار بودند.

انقلاب اکثریت که جهان را تارکان آن به لرزه درآورد، امید پیروزی سریع سوسیالیسم در ابعاد جهانی را برانگیخت. در تابستان سال ۱۹۱۹ لنین مکرراً از پیروزی جهانی ظرف یک سال سخن می‌گفت، اما به زودی معلوم شد که زره نظام سرمایه‌داری در مراکز اصلی آن از هر قوی‌ترین فولاد ساخته شده است. یورش مستقیم به سرمایه‌داری در کشورهای پیشرفته صنعتی با کاهیبی همراه نبود. گسست سیستم سرمایه‌داری در حلقه ضعیف آن برخلاف آنچه که در ابتدا به نظر می‌رسید "نبرد قطعی و نهایی" از کار در نیامد، بلکه سرافرازی شد بر روند متنوع، پرنشیب و فراز، و چندین و چند دهساله‌ای از نوسازی انقلابی جامعه بشری به مثابه مجموعه یکپارچه‌ای چند وجهی، به لحاظ اجتماعی ناهمگون، به لحاظ ملی و دولتی منقسم، اما به لحاظ بین‌المللی همپونند و متضاد.

اندیشه لنین در سال‌های واپسین زندگی او گرایش درازمدت و همگ گسترش روابط جهانی در چارچوب همزیستی و همکاری سیستم‌های مختلف اجتماعی را دریافت. با اتمام از همین برخورد بود که او نظریه سیاست نوین اقتصادی و اشکال بینابینی تحولات اجتماعی را تهیه و تدوین نمود و از استفاده دولت از شرکت‌های خارجی دفاع نمود. لنین ضرورت همی گسترش روابط اقتصادی با کشورهای سرمایه‌داری را مورد تأکید قرار می‌داد. او در راستای کشف هر چه کامل‌تر بقرنجی و ژرفای مناسبات متقابل جهانی در دوره پس از پیروزی اکتبر گام برمی‌داشت. ره‌آورد این کاوش هم تکامل نظرات او بود در مورد همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای دارای نظام‌های مختلف اجتماعی: از نفس تازه کردنی گذرا - به دوره تاریخی کاملی از روابط مسالمت‌آمیز اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی با کشورهای سرمایه‌داری.

متأسفانه در ایام بعد شمای دگرگونی از رشد و تکامل جهان شکل گرفت که تقابل میان دو سیستم اجتماعی را که در ماهیت امر به موازات هم رشد و انکشاف می‌یافتند، مطلق می‌کرد. برداشت‌هایی پدید آمد مبنی بر دو اردوگاه متخاصم و تقسیم بازار واحد جهانی به دو بازار مستقل جهانی سرمایه‌داری و سوسیالیستی. مرزهای صلب میان دو سیستم در عرصه فرهنگ هم امتداد داد شد. متافیزیک تقابل مکانیکی دو جهان متضاد به جای دیالکتیک وحدت و تضاد جامعه جهانی نشانده شد. این تصورات همایانه و مبتذل با خصلت روابط اقتصادی جهانی و وابستگی متقابل اقتصادی و فرهنگی کشورها مقایر بودند.

تفکر نوین سیاسی خواهان آن است که این تصورات تنگ کنار گذارده شوند. امروز چشم‌انداز گذار بشریت به سوسیالیسم در ابعاد بقیه در صحنه بعد

آگاهی سیاسی اقشار مختلف بورژوازی تأثیر می‌گذارد و آن هم نیاز به بقا است. تمدن‌های از نظامی‌گری به خودی خود سرمایه‌داری را از میان نخواهد برد و سوسیالیسم را به جای آن نخواهد نشانند. چنین تمدنی همچنان عرصه مبارزه متقابل دو نوع نظام اجتماعی باقی خواهد ماند اما رویارویی را با تمامی پی‌آمدهای ناشی از آن که موجودیت بشریت را به خطر می‌اندازد، از میان بر خواهد داشت.

نخبگان دولتی - انحصاری در وضعیتی متضاد قرار گرفته‌اند. از یک سو منافع طبقاتی آنان، گرایش به تفوق نظامی بر کشورهای سوسیالیستی، سودهای سرشار نظامی، و هطش‌شان برای تحمیل اراده خود به خلق‌ها به سیاست تجاوزکارانه خاص امپریالیسم نیرو می‌دهد. از سوی دیگر حتی نمایندگان جناح ستیزه‌جو و افراطی بورژوازی، ملامت‌بار بودن جنگ هسته‌ای را هم برای سرمایه‌داری و هم برای موجودیت خودشان هر چه عمیق‌تر احساس می‌نمایند. فضای عدم پذیرش نظامی‌گری در افکار عمومی، پشتیبانی فزاینده از ابتکارات صلح‌جویانه اتحاد شوروی، و نهضت‌های توده‌ای دفاع از صلح حتی برداف‌ترین مغزها در محیط ارتجاع امپریالیستی، تأثیری هشیارکننده می‌گذارد.

تضاد یادشده، در آگاهی و رفتار محافل حاکمه کشورهای سرمایه‌داری در مبارزه و تزلزل میان سیاست اعمال زور که خصیصه امپریالیسم است و سیاست مذاکره و سازش‌های معقول، رخ می‌نماید. در این میان، واقعیت‌های مصر هسته - فضاء تغییر تناسب قوا در سطح جهان، تحریک بین‌المللی برخاسته از سوسیالیسم، نقش رو به افزایش محافل اجتماعی در امور بین‌المللی، و بالاخره پی‌آمدهای انفجار آمیز موقعیت برابر کشورهای روبه‌رشد، همه و همه به سود سیاست مذاکره و سازش‌های معقول عمل می‌نمایند. سرمایه‌داری به خاطر بقای خود ناچار است که خود را با شرایطی انطباق دهد که وجه مشخصه‌اش مجاهدت اکثریت عظیم بشریت برای جلوگیری از هلاک تمدن است. از اینجاست که زمینه‌های همی پذیرش الزامات تفکر نوین از جانب ایده‌پردازان و سیاست‌گذاران بورژوازی فراهم می‌آید. جامعه بشری در پایان قرن بیستم با انتخاب بیسابقه‌ای روبرو شده است: بودن یا نبودن. چگونگی انتخاب بسته به آن است که خرد دیا جهل کدام یک چیره شوند. تفکر نوین سیاسی رهنمون راه خردومستی است.

جهان‌های از زور و مبارزه طبقاتی

برای رهایی تمدن از بار سنگین میلیتاریسم که به باری کمرشکن تبدیل می‌شود و برای خارج کردن تمدن از بن بست مسایل شدت‌یابنده گلوبال باید اشتراک مساعده تمام بشریت و همکاری سازنده تمامی کشورها و از جمله کشورهای که به سیستم‌های مختلف اجتماعی تعلق دارند، سازمان داده شود. یا وجود همه تضادهای درونی، ضرورت تنظیم آگاهانه جهان تکوین یافته است.

به لحاظ تاریخی، مناسبات میان دولت‌های

نمایندگی کند، ارتقا دهد. کلید درک حکم معروف لنین نیز که اشعار می‌داشت از نقطه نظر ایده‌های اساسی مارکسیسم منافع رشد و تکامل اجتماعی فراتر از منافع پرولتاریاست. در همین اسطه (نگاه کنید به مجموعه آثار لنین، جلد ۴، صحنه ۲۲۰).

لنین که این اندیشه را در کتاب "چه باید کرد؟" بسط داده است، بر خورد و اتقا طبقاتی حزب مارکسیست را نه در شرق شدن در محیط منافع صرفاً کارگری، بلکه در آن می‌دید که این حزب سیستم گسترده‌ای از پیوندهای متقابل با دیگر جنبش‌های اجتماعی - و گاهی با جنبش‌هایی که فاصله زیادی هم با طبقه کارگر داشتند - برپا نماید. تنها از این طریق بود که طبقه کارگر می‌توانست در جنبش عموم خلقی هم‌مونی ایدئولوژیک - سیاسی کسب نماید و تمام تنوع منافع دیگر گروهها و طبقات اجتماعی را گردآورد، درک کند و به مثابه خواست عمومی اکثریت خلق بیان نماید.

ایده‌های لنین نافه رودرو قرار دادن سکتاریستی منافع آتی (شرایط فروش کار) و آتی (اهداف سوسیالیستی) پرولتاریا با ارزش‌های دموکراتیکی بود که دیگر نیروهای اجتماعی جنبش‌رهایی بخش آن را نمایندگی می‌کردند. جنبش کارگری بهترین ایده‌های ترقی‌خواهانه نخستین انقلابات بورژوازی را که به طور ارگانیک وارد مضمون بشردوستانه مارکسیسم شده‌اند به میراث برده است.

آنچه که با تفکر نوین سیاسی در تضاد قرار دارد نه اصول طبقاتی مارکسیسم، بلکه تحریفاتی سکتاریستی از این اصول است که منافع طبقاتی را از منافع عموم بشری بیگانه جلوه می‌دهند. پاک‌سازی مارکسیسم از این زنگارهای "بنیادگرایی دکماتستی" محصور در خود، به شرط ضرورت تلفیق جنبش کارگری با تفکر نوین تبدیل شده است.

بازسازی و نوسازی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی انکشاف و فنایابی مضمون بشردوستانه مارکسیسم را از تپشی نیرومند و مثبت بر خوردار می‌سازد. آنچه که در کانون نوسازی قرار دارد عبارت است از انسان و نیازها و تمایلات او، و جستجوی اهرم‌ها و انگیزه‌هایی که قادر باشند امکانات آفرینندگی انسان را آشکار ساخته و شرایط لازم را برای ابراز وجود کامل او در جامعه مولدین آزاد و برابر فراهم آورند. به بیان دیگر، بر تارک نوسازی سوسیالیسم درست همان ارزش‌های عموم بشری نقش بسته‌اند که شالوده تفکر نوین را تشکیل می‌دهند.

مساله سازگاری تفکر نوین با ایدئولوژی بورژوازی نیز نیازمند پاسخجویی است

آیا ایده‌پردازان و سیاست‌گذاران جهان سرمایه‌داری می‌توانند پلاتفرم عموم بشری این تفکر را بپذیرند؟ مگر غیر از این است که سرشت تجاوزکارانه امپریالیسم با اصول تفکر نوین در تناقض قرار دارد.

لیکن نه تنها عوامل برخاسته از ماهیت آنتاگونیستی نظام سرمایه‌داری، بلکه نیاز والاتری نیز - اگر بتوان این گونه بیان کرد - بر

نمارکسیسم

بقیه از صفحه قبل

جهانی به مراتب طولانی تر از آن چیزی به نظر می رسد که در گذشته قابل تصور بود. هر چه آشکارتر می گردد که جستجوی راه برون رفت از وضعیت بحرانی تمدن که به کشورهای سوسیالیستی نیز بر میگردد، نه از طریق تقابل سیستم های اجتماعی، بلکه در روند اشتراک مساهلی آنان و در نتیجه همکاری نیروهای اجتماعی کل جهان متضادمان امکان پذیر است. مسابقه تاریخی سوسیالیسم و سرمایه داری در انتخاب اشکال اقتصادی و اجتماعی - سیاسی سازماندهی جامعه که از ماهیت اجتماعی - طبقاتی متقابل آنان برمی خیزد، اجتناب ناپذیر است. لیکن تفاوت های کیفی و همیق میان این دو نظام و متابله ناشی از این تفاوت ها نه تنها به هیچ وجه حکم رویارویی آنها را صادر نمی کند. بلکه بیشتر محرکی است برای همکاری متقابل سودمند در جهت فنابخشی متقابل و بازشناسی راستاهای امیدبخش پیشرفت عموم بشریت.

همکاری سیستم های مختلف اجتماعی در جهان یکپارچه مان زیربنایی فراهم می آورد برای تنظیم آگاهانه مناسبات بین المللی و برای تعاون همه دولت ها در حل مسایل گلوبال عصر حاضر. بر همین زیربناست که پیش شرطهای ایجاد سیستم عمومی و جامع امنیت بین المللی که اصول اساسی آن را کنگره ۲۷ ح.ک.ا.ش اعلام داشته است، تکوین می یابند. جوهر این سیستم در آن است که امنیت ملی را به طور ارگانیک با منافع دیگر کشورها پیوند دهد. تامین امنیت دیگران به شرط ضرورت امنیت خود تبدیل می شود.

آیا همکاری سیستم های اجتماعی، و آن هم در قالب نهادها و سازمان های معین، به ایجاد مصنوعی مکانیسم بین المللی حفظ وضع موجود در پویه اجتماعی نخواهد انجامید؟ چنین واژه هایی بی اساس است. پیشرفت در حل مسایل عموم بشری مدینه فاضله آشتی عمومی را به دنبال نخواهد داشت و بدون تردید بر ضرورت تحولات ترقی خواهانه اجتماعی خواهد افزود.

بقای تمدن و برون رفت آن از وضعیت بحرانی، و نوسازی انقلابی جامعه، دو وجه پیشرفت اجتماعی را تشکیل می دهند. ایجاد صلح پایدار و آگاهانه قابل تنظیم نیازمند دگرگونی های عمیق اجتماعی است: فیرنظامی شدن جهان، برقراری نظم نوین اقتصادی، و تامین حق خلق ها در انتخاب آزادانه راه رشد خویش، و انجام این وظایف از رسالت تاریخی طبقه کارگر یعنی رهائی بشریت، گسست ناپذیر است.

البته، واقعیت های بین المللی کنونی مارکسیست ها را موظف می سازد که بر شماهای ساده انگارانه از مبارزه طبقاتی و روند انقلابی که در آنها وظایف طبقاتی از وظایف عموم بشری تفکیک می شوند، فائق آیند.

شفاق میان این دو نوع وظایف در جناح چپ جنبش کارگری و بر موج انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثربودتوق پیوست. نخستین گسست در سیستم سرمایه داری طبیعتاً با مرزبندی بارز

نیروهای اجتماعی - طبقاتی همراه بود. جنبش کمونیستی که پس از پیروزی اکثربه وجود آمده بود با امیدواری به گسترش گسستی که به دست پرولتاریای روس انجام شده بود، تاکید اصلی استراتژی سیاسی خود را بر برخورد انقلابی - طبقاتی گذارد و این امر در شمار ۲۱ شرط پذیرش به کمینترن فرمولبندی گردید. در این میان شکافی که انقلاب اکثرب در سیستم سرمایه داری ایجاد کرده بود، در او اسطده ۲۵ دامنه بیشتر نیافت. اما منطبق تفکر سیاسی مورد پذیرش جنبش کمونیستی همچنان همان منطبق پیشین باقی ماند.

تکیه سخت بر وظایف طبقاتی به زبان وظایف عموم بشری و کم بهادادن به پایداری سرمایه داری، گرایشات سکتاریستی را تقویت نمودند. این گرایشات در کنگره پنجم و به ویژه ششم کمینترن تبارز یافتند و شعار 'طبقه علیه طبقه' در این کنگره ها به کرسی نشست. حتی کنگره هفتم کمینترن هم که وجه مشخصه اش بازگشت به استراتژی لنینی جبهه واحد بود از تیود برخورد سکتاریستی ربایی نیافت. کمونیستها ضمن آن که دست خود را به سوی دیگر نیروهای دموکراتیک دراز می کردند ادعای هژمونی داشتند و آنها را نه نیروهایی مستقل و برابر حقوق، که نوعی ذخیره مبارزه طبقاتی پرولتاریا میدانستند.

شرایط کنونی بر خورد دیگری طلب می کند. گسست نوع اکثرب به شرایط سرمایه داری دولتی - انحصاری متقدم پاسخ می گشت. در آن دوره، تحولات جاری در سیستم سرمایه داری پیدایش حلقه های ضعیف را به دنبال داشت. در شرایط سرمایه داری دولتی - انحصاری متاخر نیز امکان حدت یابی مبارزه طبقاتی در کشورهای جداگانه و در موقعیت های معین منتهی نیست. اما در مجموع گرایش دیگری در حال شکل گیری است. انقلاب هملی - فنی دگرگونی همیقی در خود شالوده تولید اجتماعی ایجاد می کند، این تولید را بین المللی می کند، و به تغییراتی اساسی در ساختار اجتماعی جامعه و ساختار کار مزدوری منجر میشود. در نتیجه نضج گیری موثر پیش شرطهای نظام سوسیالیستی در اهماق نظام سرمایه داری، امکانات گذاری تدریجی و نه چندان بارز به سوسیالیسم گسترش می یابند.

در همین حال در کنار طبقه کارگر، اقشار اجتماعی دیگری نیز به جنبش طرفدار تحولات بنیادین اجتماعی - که به طور همینی راه سوسیالیسم را هموار می کند - می پیوندند. هر چه آشکارتر می شود که آینده احزاب طبقه کارگر از بسیاری لحاظ بسته به آن است که بتوانند تمام اندوخته ها و تجربه متنوع فعالیت اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیک - تئوریک این نیروهای گوناگون را در برنامه ها و سیاست خود گردآورند. روشن است که منافع اقشار جدید اجتماعی که شرکت کننده جنبش های دموکراتیک توده ای هستند، و به یکسان، منافع اقشار جدید طبقه کارگر نیز، در برنامه ها و استراتژی سیاسی احزاب کمونیست - هر آینه خواهند حزب فرادین باشند. اهمیت هر چه بیشتری کسب می کنند.

تفکر نوین بر نگرشی نوین نسبت به پیشرفت اجتماعی جهانی استوار است و بازنگری و بسط و تکامل خلاق خود مفهوم انقلاب اجتماعی را طلب

می کند. تئوری مارکسیستی از شماهای ساده انگارانه و ارزیابی های یک سویه روبروی تابد و درک انقلاب اجتماعی عصر ما به مثابه روندی پرتنوع و طولانی که از سیکل های حلزون شکل رشد و تکامل صعودی گذر می کند، هر چه هممت تر، شمه می دواند. در طول دوران تاریخی کاملی جابجایی صر فامکانیکی سرمایه دار

داری با سوسیالیسم صورت نمی گیرد. همکاری، سبقت جویانه سیستم های اجتماعی، نقش نیروی محرکه رشد و تکامل تمدن جهانی و بازسازی اساسی آن بر پایه بشر دوستی را ایفا می کند. گرایش تاریخی به سوی تنظیم آگاهانه جهان یکپارچه و متضاد به مثابه بقا و پیشرفت، هر چه آشکارتر نمایان می شود.

مولفده های عموم بشری انقلاب اجتماعی به همراهی گسترده ترین و متنوع ترین نیروهای اجتماعی - سیاسی را که فعالیت اجتماعی شان بر مبنای استقلال و خودمختاری استوار است، با این انقلاب برمی انگیزد. این همراهی در برخی عرصه ها با مبارزه طبقه کارگرانطباق دارد و یا با آن سازگار میشود و در برخی عرصه ها از آن مبارزه دور میشود و یا حتی با آن در تضاد قرار می گیرد. نیروهای اجتماعی تا این اندازه ناهمگون نمی توانند به همراه جنبش کارگری در چارچوب یک جبهه واحد گنجانده شوند. طبقه کارگر تنها در صورتی قادر خواهد شد همکاری گسترده با این نیروها را سازمان دهد و نقش پیشرو انقلاب اجتماعی را ایفا نماید که بتواند افاق منافع طبقاتی خود را تا درک اولویت منافع عموم بشری وسعت بحشد.

همکاری سازنده - هر چند هم سبقت جویانه و گاهی نیز طبقاتی - آنتاگونیستی - میان نیروهای اجتماعی در راه نوسازی کیفی واقعیت جهان، دید ما نسبت به انقلابی گری را نیز تدقیق می بخشد. مساله ای که مطرح است پیوند این مفهوم با فرهنگ سازش، یعنی توافق و اتفاق نظری است که نوعی صفت مشخصه تفکر نوین سیاسی به شمار می آید.

مفهوم فراگیر جهان فیرهسته ای و هاری از زور و روند آشتی ملی در آن کشورهایی که به کانون درگیری های فرساینده منطقه ای تبدیل شده اند مساله ای را در دستور روز قرار می دهد و آن هم عبارت است از انطباق اشکال تحولات انقلابی به لحاظ همینی مبرم در کشورهای جداگانه با وظایف مشترک بازسازی واقعیت جهان که در انجام آن نه تنها نیروهای اجتماعی پیشرو، بلکه تا این یا آن میزان، تمامی طبقات و گروه های اجتماعی و همه کشور های جامعه جهانی مشارکت می نمایند. دیگرگونی نظم جهانی بر پایه اصول تفکر نوین و گذار به مناسبات متهمدانه میان کشورها، مساعدترین امکانات را برای پیشرفت اجتماعی می گشاید، چراکه شرایط انتخاب آزادانه راه ویژه رشد را برای هر یک از خلق ها فراهم می آورد. این امر خود محرکی است برای آن که اشکال متهمدانه مبارزه طبقاتی شکل داده شوند و روح تبعیت از اراده گویای اکثریت در روند نوسازی اجتماعی، پرورش یابد.

چشم انداز جهان هاری از زور بر چگونگی طرح مساله نقش قهر در پیشرفت اجتماعی و اشکال قهرآمیز مبارزه انقلابی تاثیر میگذارد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی آمده است، وفاداری به اصول ایدئولوژی کمونیستی نه در تکرار تشریفات حقایق تغییر ناپذیر، بلکه در بسط و تکامل خلاق مارکسیسم-لنینیسم است. انتقال مرکز ثقل مبارزه ایدئولوژیک به کار پژوهشی مستند بویژه از آن جا ضروری است که تئوری مارکسیستی در مقابله با پر نفوذترین جریان های غیر مارکسیستی اندیشه اجتماعی به لحاظ تبیین خلاق واقعیت معاصر فعلا عقب مانده است. لنین تاکید می نمود که مارکسیسم بیرون از شاهراه تمدن به وجود نیامد، بلکه حاصل تعمیم تجربه تاریخ سراسر جهان و جمع بندی نقادانه عالی ترین دستاوردهای اندیشه اجتماعی بشریت بود. این کار آفریننده و ایجادگر پس از پیدایش مارکسیسم هم ادامه می یابد. تجربه اجتماعی متنوع همه نیروهای اجتماعی که بشریت معاصر را تشکیل می دهند در آغوش مارکسیسم گرد می آید، از موضع جهان بینی طبقه کارگر توأم می یابد و فراگرفته میشود. بینشهای تئوریک دیگر نیز که این یا آن وجه جهان متقابلا به هم وابسته و متضاد امروز را از پشت منشور منافع طبقات و گروه های اجتماعی مختلف بازتاب می دهند، در چهارچوب مارکسیسم مورد تبیین نقادانه قرار می گیرند.

تنها برپایه مرآده گسترده ایدئولوژیک سیاسی کمونیستها با دیگر نیروهای اجتماعی است که می توان مفهوم جامع پیشرفت اجتماعی را با همه بفرنجی و تنوع بیکران آن بادر نظر داشت واقعیت های نوین رشد و تکامل جهانی، تدوین نمود. مطالعه و بررسی این مفهوم از آن جهت نیز ضروری و حیاتی است که به جنبش کمونیستی امکان می دهد خود را باز شناسد و به نقش و مقام و وظایف خود در دوره حساسی از تاریخ که در آن نوسازی انقلابی تمدن بطور ارگانیک با مبارزه برای حفظ آن در هم تنیده شده است، وقوف یابد.

در سالهای سیادت استالینیسیم پیرایه هایی خیالی به ایدئولوژی مارکسیسم وارد شدند که او را از پراکنده اجتماعی دور کردند و طرح هایی خود ساخته و خود پرداخته را بجای واقعیت زنده نشانند. پناه بردن از تنوع توفنده جهان به مامن دکماتیسیم که در آن نیازی به هرق ریختن و جستجو کردن نیست و همه چیز از قبل روشن است باب میل کسانی است که از تضادهای زندگی می هراسند و از آن گریزانند. اما چنین موضعی هیچ وجه مشترکی با مارکسیسم ندارد. حیات مارکسیسم در جذب تجربه تاریخی همیشه شاداب تمدن متنوع جهانی است.

اسطوره ایدئولوژیک از آن سست هنصران اما مارکسیسم که منافع طبقه پیشرو دوران را که خواهان تغییر جهان برپایه سوسیالیستی است بیان می کند نه به اسطوره، که به درکی صحیح از واقعیت پیرامون به معنائی که در عمل بیست نیاز دارد. از این رو مارکسیسم همواره متوجه تحلیل نقادانه واقعیت است و به تمامی مسایلی که در برابر جامعه پدید می آید با دیدی باز و شجاع می نگرند.

جهان بینی مارکسیستی در سرشت خود با هرگونه انزوا بیگانه است و کمونیستها را به بقیه در صفحه بعد

سازگار نخواهد بود، هرآینه مناسبات متقابل ایدئولوژیک بورژوازی و پرولتاریا و سرمایه داری و سوسیالیسم، تنها در مبارزه آشتی ناپذیری خلاصه شود که از "سیاهی خصم" برمی خیزد، سیاهی که مقاصد صرفا بدخواهانه دارد و قادر به تبادل نظری سازنده نیست. و کاملا سازگار خواهند بود، هرآینه پذیرفته شود که در طبقات و سیستم های اجتماعی متضاد، هرصدهای انطباق منافی وجود دارد که زمینه گفت و شنود سازنده را فراهم می آورند.

چنین هرصدهایی وجود دارد و آنهم مسایل عموم بشری است این مسایل در هصر ماحدث ویژه ای یافته اند. یکپارچگی متضاد جامعه جهانی زیربنای واقعی حرکت و مرآدهای معنوی ایدئولوژیک و معنوی اخلاقی را فراهم آورده است که نه با مقابله برآورده می شود و نه در آن خلاصه می شود.

بدیعی است این امر به معنای آن نیست که "پایان ایدئولوژی" دارد فرا می رسد و بنابراین مبارزه ایدئولوژیک روبه افول می رود. برعکس، تحرک بیشتر تماس نیروهای اجتماعی ناهمگون و رسوخ بی حد و حصر و سراسری رسانه های خبری معاصر بر شدت مبارزه ایدئولوژیک می افزاید. لکن با اشاعه تفکر نوین، فضای مقابله ایده ها به نحو چشمگیری دگرگون می شود. مبارزه ایدئولوژیک دیگر نمی تواند در افشای نظراتی که مواضع طبقاتی متفاوتی را بیان می کنند، خلاصه شود. این مبارزه قبل از هر چیز هبارت است از جستجوی حقیقت و بحث برابر حقوق با معارضین. در همین حال، دفاع از اصول طبقاتی خود و نقد بی پایگی استنتاجات طرف دیگر با تلاش برای یافتن نقاط تماس و توافق در تفسیر ارزش های عموم بشری تلیق می شود.

مبارزه ایدئولوژیک گسست کامل مناسبات معنوی ایدئولوژی که تمدن مارا به واحد متضاد یکپارچه ای تبدیل می کند، تعقیب نمی کند، بلکه متوجه برخورد اندیشه ها ضمن حفظ این پیوندهای شالوده ای است. "مقاومت" در برابر مخالفین و از آن بالاتر "جنگ روانی" که احساسات خصمانه را برمی انگیزد باید جای خود را به گفت و شنود با دگراندیشان دهند. اصول تفکر نوین از همه طلب می کند که از قشری گری و ناشکیبایی روبرتانبند. در منطق و استدلال دیگر نظریات ایدئولوژیک دقیق شوند و تعمق کنند. و هم خود را مصروف یافتن راه حل موثر آن مسایل واقعی بسازند که پیرامون آنها بحث ایدئولوژیک جریان دارد. در یک کلام، آنچه ضرور است فرهنگ والای گفت و شنود است. برای اثبات حقانیت مواضع خود، قبل از هر چیز استدلال قانع کننده لازم است. شیوه اصلی مبارزه ایدئولوژیک برای مارکسیستها پژوهش مستند آن مسایلی است که موضوع مشاجر با ایده پردازان بورژوایی، فرمیست و یا رادیکال چپ را تشکیل می دهد. پاسخ قانع کننده و متکی بر داده های پراکنده به این سئوالات، زیربای تعبیرات یک سویه و مفرضانه طبقاتی از مسایل نوینی که زندگی طرح کرده است را خالی خواهد کرد.

همان گونه که بدرستی در اسناد کنگره ۲۷

بدیعی است قبل از هر چیز باید تاکید کنیم که جهان هاری از زور مقوله ای است که به مناسبات متقابل در جامعه جهانی برمی گردد و متضمن زوده شدن قهر از مناسبات میان دولت هاست. اما در رابطه با آنچه که به مناسبات متقابل میان طبقات در جوامع آنتاگونیستی برمی گردد، باید گفت که در این محیط، قهر از سیستم استثمار و سیستم تعدادی طبقات توسط طبقات دیگر برمی خیزد. از این رو کاربست اشکال قهرآمیز مبارزه علیه قهر استثمارگران هم به لحاظ اخلاقی و هم به لحاظ سیاسی امری است موجه. لکن در این هرصه نیز تفکر نوین از احزاب انقلابی مسئولیتی خطیر طلب می کند و از آنان می خواهد تا پیوند متقابل و تنگاتنگ مبارزه طبقاتی در کشورهای جداگانه را با کل سیستم جهان یکپارچه و شکننده مادر نظر داشته باشند. رخنه هایی که تاکنون در سیستم سرمایه داری به وقوع پیوسته است هلی القاعده با مبارزه سخت و قهرآمیزی همراه بوده است که یکی از همل اصلی آن را مداخله خارجی ارتجاع امپریالیستی تشکیل می داده است. می توان حدس زد که غیرنظامی شدن جهان و برقراری نظمی جهانی که بر اصول دمکراتیک و هدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها استوار باشد به روندهای افول میزان قهر در پیشبرد تحولات انقلابی داخلی مساهدت خواهد نمود. پشتیبانی عموم ملی از تحولات مبرم، شرایطی فراهم خواهد آورد که در آن اعمال قهر در رابطه با اقلیت محافظه کاری که از پشتیبانی خارجی بی نصیب است، به احتمال قوی، شکل اجبار سیاسی به خود می گیرد و آن هم نه با همل فشار، بلکه به مدد منطق تناسب قوای موجود.

تفکر نوین الزامات خطیری را در برابر جنبش کمونیستی قرار می دهد. بسیاری از کمونیستها آمادگی کافی برای هضم این تفکر را نداشته اند. شماها و نظریات فرتوتی که به وجوه عموم بشری ایدئولوژی و سیاست مارکسیستی کم بها می داده اند هنوز همیقا در میان کمونیستها ریشه دارند. بحث هایی داغ، تبادل نظری آزادانه، و گفتگو هایی رفیقانه جریان دارد و در این میان آنچه که در آگاهی کمونیستها استحکام بیشتر و بیشتر می یابد، همانا تفکر نوین است. این نیز به نوبه خود راه رفع آن دشواری های جدی و بزرگی را که جنبش کمونیستی با آن روبرو بوده است و نیز راه صعود این جنبش به سطح عالی تری از رشد و تکامل خود را می گشاید.

مسایل مبارزه ایدئولوژیک

ایدئولوژی منافع طبقات را بیان می کند و از این رو خصلت طبقاتی داشته، هرصه مقابله طبقاتی است. این امر که از بدیهیات مارکسیسم است در زمان مامم مورد تایید قرار می گیرد. تبیین واقعیت های هصر بسته - فضا از مواضع طبقاتی متفاوتی صورت می گیرد و با برخورد ایده ها و نظرات تئوریک همراه است.

آیا مبارزه حاد ایدئولوژیک و تفکر نوینی که بر ارزش های عموم بشری استوار است و منافع تمامی طبقات، ملل و دولتهارا بازتاب می دهد. می تواند سازگار باشد؟

و آسمان، آسمان جنوب، کاملاً بی‌ابر است. آفتاب با سخاوت، نور خود را می‌پاشد.

من در اینجا هیچ چیزی از خود نیافریده و حقیقت را مسخ نکرده‌ام. آنچه توصیف کرده‌ام، متأسفانه ساخته و پرداخته نیست. این کار، "گردش" نام دارد. اینگونه، یک شوهر، زنش را به دلیل خیانت مجازات می‌کند. این یک آیین و سنت است و من آن را در سال ۱۸۹۱، در ۱۵ ژوئیه، دیده‌ام. در روستای کاندیبووگا، فرمانداری جرسون، بخش نیکولایف.

من می‌دانستم که در موطن ما، در آنسوی ولگا، زنی را که خیانت کرده‌است، هرمان می‌کنند، قیر می‌گیرند، پر مرغ به روی او می‌ریزند و در این هیات در خیابان ده حرکتش می‌دهند. من می‌دانستم که شوهران یا پدر شوهران مبتکر، یک زن "خائن" را در تابستان گاه شیرمالی می‌کنند و به عنوان طعمه برای حشرات، به یک درخت شنیده‌بودم که زنان "خائن" را گاه دست و پا بسته به میان توده مورچگان می‌نشانند. و بالاخره، به چشم خود دیدم که این همه، در میان انسانهای ناآگاه و بی‌وجدان، که زندگی گرگ‌گونه در فضایی از حسادت آنها را وحشی کرده است، امکان پذیر است.

و دهقان را می‌شورانند. پسر بچه‌ها می‌دوند... گاه یکی از آنها به جلو می‌دود و به‌زن، دشنام می‌دهد. شلیک تعقعه جمعیت، بر همه صداهای دیگر، حتی صدای شکافته شدن هوا توسط شلاق قلبه می‌کند.

زنان، صورت‌هایی به‌هیجان آمده و چشمانی درخشان از لذت دارند. مردان چاق، به مردی که روی گاری ایستاده است، حرف‌های چندش‌آوری می‌زنند. این یکی به طرف آنها برمی‌گردد و با دهان باز شیعه می‌کشد. باز ضربه‌ای شلاق بر بدن زن فرود می‌آید. شلاق دراز و باریک، به شانه زن می‌خورد و به دور بازوی او می‌پیچد. دهقان، شلاق را به تندی عقب می‌کشد. زن، جیغ گوشخراشی برمی‌آورد، به عقب خم می‌شود و به روی خاک می‌افتد. از میان جمعیت، تعدادی به طرف او می‌دوند، روی زن خم می‌شوند و با جثه‌های خود، زن را می‌پوشانند.

اسب، از حرکت باز می‌ایستد، اما دوباره به راه می‌افتد، و زن در هم شکسته، باز در کنار گاری حرکت می‌کند. و اسب بی‌نوا، به کندی پاهایش را تکان می‌دهد و سر ژولیده‌اش را به گونه‌ای حرکت می‌دهد که گویی می‌خواهد بگوید: حیوان بودن، چه فلاکتی است! آدم‌ها و ادارت می‌کنند که در هر کار نفرت‌آوری شرکت کنی...

که چگونه روی پاهایش ایستاده است، پاهایی که مانند همه تن او پر از لکه‌های آبی است. معلوم نیست چرا فرو نمی‌افتد، بطوریکه گاری که دستانش بدان متصل است، او را بروی زمین بکشد؟

روی گاری، یک دهقان قتلند، با پیراهنی سفید و کلاه پوستی سیاه بر سر ایستاده است. از زیر کلاهش یک دسته موی قرمز به رنگ آتش بیرون زده و بر پیشانی‌اش افتاده است. در یک دست، افسار و در دست دیگر، شلاقی دارد که با آن، بطور منظم، گاه بر پشت اسب و گاه بر بدن زن کوچک‌اندام می‌زند، زنی که دیگر از فرط کتک خوردن هر شباهتی با یک انسان را از دست داده است. سفیدی چشمان دهقان موثرمز، سرخ شده و بگونه‌ای شوم و پیروزمندانه، برق می‌زند. رنگ سبز چشمانش را موی قرمز او برجسته کرده است. آستین‌هایش را تا آرنج بالا زده و ساعدهای نیرومند او که از موهای انبوه قرمز پوشیده است، هرمان است. دهان بازش، پر از دندان‌های سفید است. هر از چندی، این دهقان با صدای گرفته فریاد می‌کشد: "بگیر... پتیاره آبی، بگیر! بخور!" در پس گاری و زن که بدان بسته شده است، مردم روانند. فریاد می‌کشند، جیغ می‌کشند، سوت می‌کشند، می‌خندند

سلطه خرافات و سنن پوسیده بر جوامع بشری، با زنان چه کرده است؟ پاسخ بدان، یکی از رنجبارترین مرصه‌های تاریخ بشری را بازگو می‌کند. در نوشته زیر ماکسیم گورکی نمونه‌ای از آن را توصیف می‌کند؛ نمونه‌ای که مشابه آن امروزه نیز هنوز در میهن ما بکرات تکرار می‌شود.

گردش

داستانی کوتاه از مارکسیسم کورگی

می‌شوند، سرش را با موهای ژولیده و خرمایی رنگ بالا گرفته و تاحدی به عقب خم کرده است. چشم‌انش کاملاً باز است و با نگاهی خیره، که در آن هیچ چیز انسانی نیست، به دور دست می‌نگرد. همه بدنش را لکه‌های گردیدار از قرمز و آبی پوشانده است. سینه سفت و دخترگونه‌اش در سمت چپ شکافته و خونین است. خون، در نواری قرمز از روی شکم و ران پیش تا به زانو جاری است و بر روی ساق پایش به رنگ قهوه‌ای به میان خاک می‌ریزد. گویی یک نوار طولانی و باریک از پوست این زن را کنده‌اند. آشکار است که بسیار با جوب بر شکمش زده یا با چکمه لگد زده‌اند، زیرا شکمش بسیار ورم کرده و بطور دهشت‌آوری آبی‌رنگ است.

کف پاهایش که کوچک و خوش تراش است، به زحمت روی قبار خاکستری در حرکت است. همه بدن زن، خم شده است و معلوم نیست

در خیابان ده، میان کلبه‌های سفید گلی، کاروان هجیبی همراه با فریادهای گوشخراش، حرکت می‌کند. دسته‌ای از مردم راه می‌روند، به هم فشرده، کند و پرسرو صدا. مانند یک توده بزرگ پیش می‌آیند، و در پیشاپیش، اسب ژولیده و رقت‌انگیزی، که سرش را بگونه‌ای فمناک، پایین افکنده است.

ره می‌سپارد. وقتی یک پای جلوی او را به زمین می‌گذارد، سرش را به عقب می‌کشد و آنقدر خم می‌کند که گویی می‌خواهد پوزه بزرگش را به میان خاک جاده فروبرد. اما وقتی یکپای عقبش را پیش می‌گذارد، پشتش آنقدر پایین می‌آید که به نظر می‌رسد هر لحظه در شرف افتادن است.

به جلوی گاری دهقانی، زن کوچک جثه و کاملاً هرمانی که تقریباً هنوز یک دختر بچه است، با طنابی به دستانش بسته شده است. راه رفتنش، بگونه‌ای عجیب است، یکطرفه، پاهایش می‌لرزند و خم

مارکسیسم و ...

بقیه از صفحه قبل

بر فراری تماس‌های گسترده با دیگر جنبش‌های ایدئولوژیک سیاسی هدایت می‌کند. تجربه اصیل این جنبش‌هایی که در اندیشه تئوریک نیز بازتاب می‌یابد امکان می‌دهد. تا ارزیابی‌های صحیح تر و درک‌های ژرف تری از آنچه که تنها از تجربه جنبش کمونیستی بدست می‌آید، تدوین گردد. تماس‌های گسترده با دیگر نیروهای اجتماعی کانال گردآوری تمام طیف تجربه متنوع نیروهای پیشرفت اجتماعی و طریق شناخت واقعیت اجتماعی متضاد معاصر شمار می‌رود. "تبختر علامه‌کی" که گاهی در پس اتوریته مارکسیسم - لنینیسم پنهان می‌شود،

همداً تنها پوششی است بر ترس از واقعیت‌های جدید و عدم تمایل به دست شستن از دگم‌های مالوف و پذیرش حقانیت نقطه نظرات دیگری که از جانب نمایندگان احزاب و جریان‌های غیر کمونیستی ارائه می‌شود.

مشخصه‌های اصلی تفکر نوین سیاسی عبارت است از سعه صدر در رابطه با دیگر اندیشان، عدم ادعای در انحصار داشتن حقیقت، و پذیرش حق و توانایی جنبش‌ها و سازمان‌های دموکراتیک و ترقی‌خواه برای ادای سهمی اصیل در فرهنگ معنوی و آگاهی اجتماعی بشریت و مشارکت در جستجوی وسایل و راه‌حل‌های حل مسایل رشد و تکامل تمدن.

طبیعتاً در قیاس با رویارویی‌های حاد ایدئولوژیک در طول تاریخ جنبش کمونیستی این سؤال پیش می‌آید که: آیا تماس‌های

ایدئولوژیک این قدر وسیع کمونیست‌ها با دیگر نیروهای اجتماعی، هویت و اصالت احزاب کمونیست را به مثابه احزاب انقلابی طبقه کارگر تهدید نمی‌کند؟

هویت ایدئولوژیک - سیاسی کمونیست‌ها بر پایه صرفاً کارگری همواره با سرشت مارکسیسم به مثابه آموزش‌رهایی بشریت از قیود استعمار و بیگانگی در تضاد قرار داشته است. این موضوع ماهیتا سکتاریستی در جهان معاصر جایی نخواهد داشت. در عصر انقلاب علمی - فنی ژرفی که ساختار کار مزدوری را دگرگون می‌کند، توسل به چنین موضعی غیر از بن بست سیاسی فرجامی نخواهد داشت.

اصالت کمونیست‌ها امروز در توانایی‌شان برای همکاری منصف و اصولی با نیروهای اجتماعی

افغانستان: آمریکا و پاکستان دولت شورشیان را بر سمیت نمی شناسند

بی نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان خواست دولت در تبعید ضد انقلاب افغانستان مبنی بر به رسمیت شناخته شدن راشتاب زده خواند و افزود حتی خود گروههای هفت گانه شرکت کننده در این دولت، آن را به عنوان دولت موقت اعلام کرده اند بی نظیر بوتو در همین حال از تشکیل دولت ضد انقلابیون به عنوان نشانه اتحاد در میان آنها استقبال کرد. ایالات متحده نیز اعلام کرده است دولت در تبعید شورشیان، هنوز واجد همه شرایط برای شناسایی دیپلماتیک نیست. دولت افغانستان، تشکیل دولت ضد انقلابیون را به عنوان نقض منشور ملل متحد محکوم کرد. نجیب الله رئیس جمهور افغانستان طی نطقی در پارلمان این کشور گفت: "این به اصطلاح دولت تحمیل شده از خارج، برای توده های مردم در افغانستان پذیرفتنی نیست. این دولت، تحت فشار سرویس مخفی پاکستان تشکیل شده و نماینده مردم افغانستان نیست." نجیب الله از فرماندهان نظامی مجاهدین در داخل افغانستان خواست از رهبری سیاسی گروه های ضد انقلاب جدا شده، خود ارگانهای محلی اداری به وجود آورند. رئیس جمهور افغانستان افزود این ارگانها می توانند یابطور خودمختار و یا در ارتباط با دولت مرکزی عمل کنند.

خاویر پرز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد هفته گذشته به هند سفر کرد. وی در جریان اقامت خود در هند با مقامات این کشور در مورد اوضاع افغانستان به مذاکره می پردازد. عبدالوکیل وزیر امور خارجه افغانستان نیز در هفته گذشته دیداری از هند به عمل آورد. وی پیامی از سوی رئیس جمهور افغانستان به راجیو گاندی نخست وزیر هند تسلیم کرد. دولت هند اعلام کرد در صورت تقاضای افغانستان آماده تحویل مواد غذایی برای مردم کابل است.

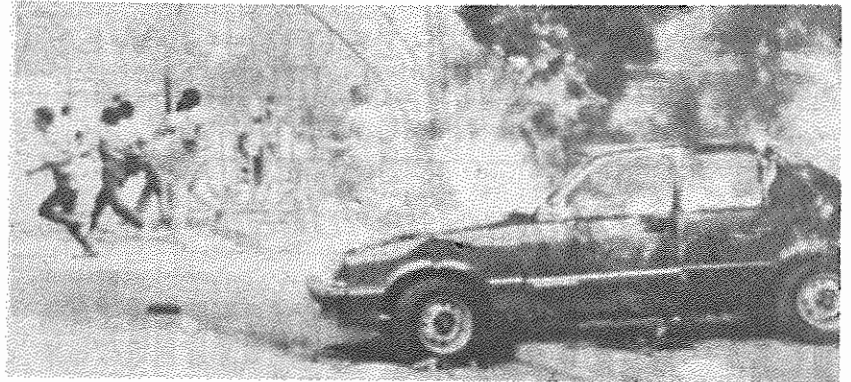
ونزوئلا: سرکوب خونین تظاهرات مردم

صرفه جویی اقتصادی را "آخرین امکان" برای جلوگیری از فروپاشی نظام مالی دولت و ورشکستگی اقتصاد نامید. این برنامه، از جمله شامل کاستن از ارزش واحد پول ونزوئلاست که به گران شدن بسیاری از کالاهای وارداتی می انجامد. تا قبل از اعلام این برنامه، دولت ونزوئلا با بهای نازل رسمی برای واردت مواد غذایی و داروهای مهم، ارز تخصیص می داد. رئیس جمهور ونزوئلا با اعلام این برنامه به شرایط صندوق بین المللی پول برای تسهیل بازپرداخت ۳۱ میلیارد دلار بدهی خارجی این کشور، تمکین کرده است. پرز هلیرغم ناآرامی های هفته گذشته اعلام کرد برنامه اقتصادی اعلام شده، اجرا خواهد شد. برای برقراری حکومت نظامی، دولت ونزوئلا ده هزار سرباز وارد پایتخت کرده است. در این کشور ۱۹ میلیونی، در شرایط حکومت نظامی پلیس حق دارد بدون حکم دادگاه افراد را بازداشت و خانه ها را تفتیش کند. مطبوعات می تواند تحت سانسور قرار گیرد. رفت و آمد از ساعت ۶ بعد از ظهر تا صبح ممنوع است.

بدنبال اعلام برنامه صرفه جویی اقتصادی از سوی کارلوس آندرس پرز رئیس جمهور جدید ونزوئلا که سوسیال دمکرات است، در هفته گذشته موجی از تظاهرات مردم علیه این برنامه، این کشور آمریکای جنوبی را فراگرفت. در نتیجه سرکوب خونین این تظاهرات بیش از ۲۵۰ تن کشته و دوهزار نفر مجروح شدند. شامگاه سه شنبه، دولت ونزوئلا در این کشور حکومت نظامی اعلام کرد. پرز در یک نطق تلویزیونی به وجود "دهمگشته و صدها زخمی" اتراف نمود.

تظاهرات مردم در روز دوشنبه آغاز شد. ده ها هزار نفر، بویژه در اعتراض به افزایش بهای بنزین به میزان ۸۳ درصد و افزایش قیمت بنیط و سایر نقلیه همومی به میزان ۳۰ درصد، به خیابانها آمدند. پلیس در کاراکاس پایتخت ونزوئلا و چندین شهر دیگر با توسل به اسلحه گرم، به مقابله با مردم رفت.

پرز ۶۶ ساله، که یک بار دیگر نیز از ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ ریاست جمهوری ونزوئلا را برعهده داشت، در نطق تلویزیونی خود، برنامه



کوشه ای از ناآرامی های هفته گذشته در ونزوئلا

نادرست و گمراهی همراه است، از پاکیزگی ایدئولوژیک جهان بینی مارکسیستی حراست نمود. در جهان پر تب و تاب پایان قرن بیستم، مارکسیسم یک مرحله نوسازی کیفی را از سر می گذراند که شاید تنها با دوره آغاز قرن یعنی با دوره پیدایش لنینیسم قابل مقایسه باشد. از این رو خطر عمده ای که امروز مارکسیسم را تهدید می کند نه در گرایش به نگاه نوین و دیگرگون به جهان، که در دگماتیسم و صلبیت شماها و نظرات موجود نهفته است. الزامات پراتیک، ضرورت رسوخ به راه حل های شجاعانه و نوآورانه مسایل مبهم را در برابر تئوری مارکسیستی قرار داده است موقعیت این رسوخ کامیابی تئوری مارکسیستی در دستیابی به کیفیت نوین همان چیزی است که آینده مارکسیسم به مثابه ایدئولوژی نوسازی انقلابی واقعیت را رقم خواهد زد، نیل جنبش کمونیستی به مدارج پیشرفته ترقی اجتماعی را میسر خواهد ساخت، و بالاخره فلبه بر مظاهر رویزیونیسم و دگماتیسم در تئوری و سیاست را تضمین خواهد نمود.

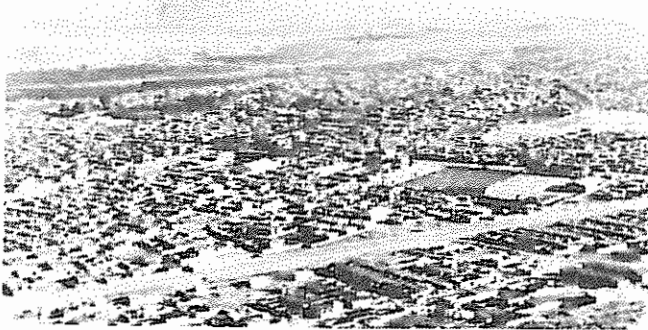
مارکسیستی از آنها ارائه داد. انجام این وظیفه متضمن آنست که مقایسه نظرات و مواضع در خود احزاب نیز بطور دائمی جریان پیدا کند. اهمیت این امر بویژه از آنجاست که اگر چه هیچ گاه تمامی نظرات و مواضع یکسان نبوده اند، اما دامنه تفاوت نظر در ایام کنونی، چه در رابطه با ناهمگونی فزاینده پایگاه اجتماعی جنبش کمونیستی و چه تحت تاثیر تماسهای فعال با دیگر نیروهای اجتماعی - سیاسی، به گونه ای چشمگیر گسترش می یابد. در این بحث ها، اصول ایدئولوژیک مارکسیستی را نمی توان چشم بندی قلمداد کرد که افق دید را محدود می کند. این اصول برای تحلیل مشخص مسایل مورد بحث نقش نقاط اتکاز ایفای نمی نمایند. در روند مبارزه با ایدئولوژی بورژوازی و بحث های تئوریک میان کمونیستها ممکن هم هست که انحرافات از مواضع مارکسیسم رخ دهد و نظراتی رویزیونیستی پدید آید، اما مگر فکرش را هم می توان کرد که با محدودیت قابل شدن برای جستجوی خلاق که همیشه هم با بیم نتایج

مارکسیسم و

گسترده ای تجلی می یابد که نه تنها طبقه کارگر، بلکه اقشار اجتماعی دیگری را نیز نمایندگی می کنند که تا حدی بطور بالقوه در ترکیب رو به تحول طبقه کارگر وارد می شوند و تا حدی نیز نیروهای اجتماعی مستقلاً به شمار می روند که استقلال سیاسی خود، اهداف خاص خود، ساختار تشکیلاتی خود، و نظرات و تصورات ویژه خود را دارا هستند.

حفظ سیمای ایدئولوژیک سیاسی احزاب انقلابی طبقه کارگر تنها با مبارزه ای جدی در راه همزونی مارکسیسم در حیات معنوی - ایدئولوژیک بشریت معاصر امکان پذیر است. اینجاشک و حسرت برای شماها و فرمول هایی که کارایی خود را از دست داده اند چاره ساز نیست. باید در پلمیکی سازنده با دیگر نظریات ایدئولوژیک، مسایل حل نشده تمدن را زیرنگاهی مارکسیستی گرفت و تفسیری

بوکان امروز تصویری از رنجهای بیکران خلق کرد



چشم انداز بوکان

روستایی وقتی جاده‌های بین شهری مسدود گشته، بصورتی که این امر باعث قطع ارتباط شهر و روستا شده که مصائب بیشتری برای تداوم به همراه داشته است و این نه فقط تصویر همومی شهر بوکان بلکه دیگر شهرهای کردستان در این فصل زمستان می‌باشد.

گزارشگر سپس ما را به درون شهر می‌برد:

«به این تصویر همومی باید گرانی، بیکاری، کمبود، تسلط نظامی رژیم و خفقان حاکم را افزوده فقر، بیماری، گرسنگی به تبع آن بیداد می‌کند. طبق آمار سال ۶۶ جمهوری اسلامی بعد از ارومیه، بوکان پرجمعیت‌ترین شهر آذربایجان غربی می‌باشد، با همان امکانات و بودجه سال ۵۵ که حاکی از بخش بودن آنست. در شهر ما تعداد نظامیان و نیروهای بسیجی و فیره بیش از ۴۰ هزار نفر می‌باشد. شهر خیلی بدقواره و در هم برهم شده است. هر کسی در گوشه‌ای برای خودش ساختمانی، بقیه در صفحه‌ع

بوکان آخرین شهر کردستان بود که به تسخیر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی درآمد. اکنون در بوکان چه می‌گذرد و مردم این شهر چه می‌کنند؟ برای درآمد تصویری از بوکان امروز، بخش‌هایی از یک گزارش را درج می‌کنیم که در اوایل ماه گذشته از این شهر ارسال شده است.

سرمای امسال کم سابقه است. در شرایط کمبود جدی مواد سوختی، خاموشی‌های مکرر چندین ساعته، مردم باید سرمای زیر ۳۲ درجه را تحمل کنند. گرم نمودن یک اتاق بوسیله نفت برای اکثریت قریب به اتفاق مردم غیرممکن است. مردم بخاری‌های چوب‌سوز و کرسی را دوباره راه انداختند. تهیه هیزم و تپاله هم مشکل است، بهای «هر بار هیزم» حدود ۴۰ الی ۶۰ کیلو ۱۰۰ تا ۲۰۰ تومن می‌باشد. بارش مداوم برف که ارتفاع آن در بعضی از نقاط شهر بیش از یک متر می‌باشد (مردم می‌گویند از این نظر ثروتمند هستیم) حمل و نقل را بسیار مشکل نموده است. اکثر جاده‌های

طومار هزار نفری هنرمندان در دفاع از رشدی

در کشور خود بریزند، راضی نیستند و می‌خواهند از مرزها هم بگذرند و تمام بشریت را به ورطه تاریک اندیشی مطلق بیاکنند.

یوسف ادریس، نویسنده مصری: من از اینکه یک دیوانه خونخوار و حقه‌باز در سن ۸۹ سالگی هنوز به خود اجازه می‌دهد از جانب اسلام و مسلمانان سخن بگوید، احساس شرم می‌کنم. عبدالوکیل مدب، نویسنده تونس: وقتی بیانیه خمینی را شنیدم، فقط یک نیاز احساس کردم - و آن اینکه دست به شدیدترین کفرگویی‌ها بزنم.

در حالیکه موج همبستگی با سلمان رشدی در سراسر جهان ادامه دارد، در هفته گذشته جمهوری اسلامی و انگلیس علیه رفم پرخاش‌گویی، گام‌هایی برای تخفیف بحران روابط خود برداشتند. مجلس آخوندی مصوبه‌ای گذارنده که طبق آن روابط دو کشور باید در صورت عدم تغییر موضع لندن، ظرف ۱۰ روز قطع شود. همزمان با ادامه جنگ لفظی، جفری‌هاو وزیر خارجه انگلیس گفت کتاب سلمان رشدی نه تنها به مسلمانان، بلکه به بریتانیا نیز توهین کرده است. سپس مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلیس نیز «توهین به اسلام» در کتاب رشدی را محکوم کرد.

سلمان رشدی پس از انتشار این موضع‌گیری آشتی‌جویانه دولت انگلیس، در برابر خمینی، نسبت به اجنیت خود ابراز نگرانی کرد. وی در تماسی با هفت‌نامه اوپزورر گفت که نمی‌داند دولت لندن کماکان به حفاظت از جان او ادامه خواهد داد یا نه. در همین حال روزنامه ایندیپیندنت چاپ لندن از قول یک دیپلمات غربی در خاورمیانه نوشت گروه حزب‌الله در لبنان مورد حمایت جمهوری اسلامی است، در پایگاه‌های خود تروریست‌های متقیم انگلیس را برای تشکیل جوخه‌های مرگ جهت ترور رشدی، آموزش می‌دهد.

کمیته بین‌المللی دفاع از سلمان رشدی، نویسنده کتاب «آیات شیطانی»، یک پیام همبستگی با رشدی را که به امضای هزار تن از روشنفکران و هنرمندان جهان رسیده است، منتشر کرد. این نامه سرگشاده به صورت آگهی‌های تمام صفحه‌ای، در روزنامه‌های کشورهای مختلف به چاپ رسید. امضاکنندگان نامه، برحق سلمان رشدی مبنی بر ابراز آزادانه عقاید خود، صرف‌نظر از اینکه با محتوای کتابش موافق باشند یا نه، تاکید کرده‌اند. در میان امضاکنندگان طومار، نام نویسندگان و شعرای مشهوری مانند گراهام گرین، ساموئل بکت، ویلیام گولدینگ، فرانسوا ساگان، یوجین یونسکو، آتورمیلر، فیلیپ روت، نوال السعداوی و کارلوس فونتنس به چشم می‌خورد. در این نامه، به نقل از نامه ولتر به مارکی دودفان آمده است: «من با آنچه شما می‌گویید مخالفم، اما تا پای جان از حق شما برای اظهار آن، دفاع می‌کنم.» نویسندگان و هنرمندان امضاکننده نامه، با مسلمانانی که از انتشار کتاب رنج برده‌اند، ابراز تفاهم کرده و در همین حال، تاسف خود را از کشته شدن انسانها در این رابطه، ابراز داشته‌اند.

مهرورف‌ترین نویسندگان نیکاراگوئه، در نامه‌ای به مقامات جمهوری اسلامی، از حق آزادی بیان، از جمله برای سلمان رشدی، دفاع کرده، خواهان لغو فتوای خمینی علیه رشدی شدند.

در زیر نظرات برخی از نویسندگان و شعرای عرب را در مورد ماجرای کتاب «آیات شیطانی» می‌آوریم:

نجیب محفوظ، برنده جایزه ادبیات نوبل در سال ۱۹۸۸: آنکس که باید مجازات شود، نه رشدی، بلکه خود خمینی است.

طارق هلی، نویسنده پاکستانی: به نظر می‌رسد آخوندها به اینکه هر سال خون بیگناهان را

AKSARIYAT
NO. 248

MONDAY, 6 MAR 89

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER